

اعتراض کارگران مبارز ضد نفت

علیه اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی

با گذشت هر روز بر اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی افزوده می شود و ما هیئت فدک کارگری و مدخلی رژیم برای تسویه های وسیع کارگری پیش افشا می گردد. اقدامات ضد کارگری رژیم در هفته های اخیر علیه کارگران انقلابی و رزمندگان صنعت نفت، این گردان به شاهنگ

و آگاه طبقه کارگران ایران، و بخش نامه های وزیر جدید نفت (محمد غرضی) در مورد قطع حق کارگسای و اضافه کاری، لغو تعطیل پنج شنبه ها، تغییر ساعات ثبوت کاری در پالایشگاهها و تاسیسات با رگیری، بخش و سایر موارد موجب وسیع اعتراضات بحق کارکنان مبارز صنعت نفت را برانگیخت

بقیه در صفحه ۴

یک آرزوی متحد از مسئولان جنگ

"سویا لیستها همیشه جنگهای سلسله ملتها را بمنوان و خشیانه و بیجا نموده محکوم کرده اند. با وجود این، بزود ما نسبت به جنگ با سرخورد طبقه طلبکاران بورژوازی (طرفداران و حامیان طبقه) و آنا ریشتها از اساس فرقی نمی کند. دست اول در این مورد اختلاف نظر داریم که ما رابطه اجتنابنا پذیر جنگها و مبارزات طبقاتی را در یک کشور درک می کنیم. ما می فهمیم که جنگها جز با الفنا طبقات و ایجا دوسوالیسم آریسان نخواهد رفت. ما همچنین با آنها در این امر اختلاف داریم که جنگها داخلی یعنی جنگها غیرا که طبقه ستمکش علیه طبقه ستمگر، برده ها علیه برده داران و سرفهسا علیه مالکین ارضی و کارگران مزدور علیه بورژوازی برپا می کنند. ما ملا "سرخس" مترقی و لازم می شماریم. اختلاف ما با رکیستها با ملخ طلبان و آنا ریشتها

بقیه در صفحه ۲

درباره تآکتهای نوین

در جنبش توده های ایران در سه سال و نیم اخیر، شاهد بروز متنوع ترین اشکال مبارزاتی توده ها بوده ایم، اشکالی که از اهمیت تنوع خودنا بدبجرات بتوان گفت کم نظیر بوده است. از نظرات قهرمانان مبارز توده ای در قم، تبریز و غیره گرفته تا نظرات میلیونی مسالمت آمیز توده ها در تهران و سایر شهرها، دادن شعارهای علیه رژیم سلطنتی در پشت بام بهنگام برقراری حکومت نظامی، حملات پراکنده و گسترده علیه ارگانهای حکومتی

بقیه در صفحه ۵

درمیدارین چه باید کرد؟

در این شماره

اخبار کارگری

اخبار کردستان

مردم چه میگویند...

پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک

پیک انقلاب با شیدو خود را برای "نبرد فطمی" آماده کنید، انقلاب دو باره اوج میگیرد!

آنان را دستگیر و اموالشان را باغارت - برده باشند. همچنین ده ها و صدها زندانی اسیر را زیر شکنجه های قرون وسطایی مجروح نموده و یا به شهادت رسانده اند. پاسداران و دیگر عناصر مسلح مزدور را (با جواز قتل) به غیاب آنها و کارخانجات و مراکز جمعی کارگسبیل داشته، تا حرکات اعتراضی آنها را سرکوب و قمع کنند. بقیه در صفحه ۷

و هنمود به هواداران

از سی خرداد (که رژیم از قدرت توده ها ترسیده و برای تسلط خویش بر اوضاع، پرده از چهره فریبنده خودگشا زد و آشکارا رودر روی مردم قرار گرفت) تا با امروز، صدها انقلابی جان بزرگ را بجزم محالفت با - دیگتا توری به جوخه های اعدام سپرده اند و روزی نیست که در تقییب نیروهای انقلابی و مبارز به ده ها و صدها جان نوا - مبارز، بمنول و اربوش سپرده و عده ای از

یک ارزیابی مجدد از مسئله

جنگ

بشماره ۱

در این است که ما بیلزوم مطالعه هر جنگ از پرتو تاریخی از نقطه نظر ما ترسیم دیا لکتیکی تاریخی و بطور جداگانه اعتبار داریم. در گذشته چنگهای بیسماهی سرپا شده که ... و حشمتا، سیرحمیا، پرتو سیر و رنجها، مواریث هر جنگ است مترفی بوده اند پس با کمک کردن به مومسات ارتجاعی و زبانی اور (مثلاً) یک حکومت مطلقه یا سراسر اوستی ترین حکومتی مطلقه در اروپا (حکومت استبداد ترکیه و روسیه) اسکال مل، خربت کمک کرده اند. اساس جیت است که خصوصیات تاریخی جنگ کنونی را باید مورد بررسی قرار گیرد. اوسیا لیسیمو (جنگ)

یکسال تمام ار اعرار جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق گذشت. جنگی که تاکنون هزاران کشته، دهها هزار معلول، میلیونها آواره، تهاوی و نابودی بخش عظیمی از شوهرهای ملی، فقر و فلاکت دم- افزون توده ها و سبب ارتجاعی دیگر سربا آورده است. این جنگ همانگونه که ما تاکنون به دفعات توضیح داده ایم و تجربیات یکسال گذشته نیز بخوبی اثبات کرده است، سبب هوجاه ارتجاعی و خواسته های زحمتکش منشاء - نگرفته و در خدمت منافع توده های مردم نیست بلکه بالعکس این جنگ را طبقات حاکمه دو کشور ایران و عراق و دولتهای آنها برافروخته اند. تنها سرمایه داران این دو کشور و امپریالیسم جهانی است که بهیات متعدد در این جنگ سودبرده و بقیمت نابودی هزاران انسان و خانه - خرابی میلیونها زحمتکش ستمدیده، میلیونها دلار صحت خود سراسر از پر کرده اند. این جنگ نتیجه احتیاج ناب پذیر و ادا سبب سیاستهای دودولتی است که در کلیت خود از منافع سرمایه داران حمایت کرده و در سیاستهای داخلی خود از نظام مستعینی بر ستم و استعمار توده ها و قهر و سرکوب محکوم با سداری می کنند. در یکسال گذشته نیز بهمانند ما همیهای قبل از آن رژیم جمهوری اسلامی سیاستهای ضد خلقی خود را علیه کارگران، دهقانان و اقشار دیگر خلصو ادا نموده، سراسر استعمار و ستم کارگران و دیگر زحمتکشان افزود. لحظه ای از - رگوب توده ها، مقابله قهرآ میز با رزوات آنها و دشمنی کینه توزانه سبب به سازمانها و گروههای انقلابی بت بر نداشت. طبیعی است که یک چنین رژیم سیاسی ضد خلقی، با چنین سیاستهای تجاری، نمی توانست در سیاست خارجی بشیوه قهرآ میزیمینی جنگ سیاست گوی را با خصلت طبقاتی و ما هیات دیگر بش برود. آنچه را که لنین مکتور سراسر از تانکید کرد و می گفت "سیاستی که یک دولت معین ن طبقه معین در خارج آرزو و ولست مدتها پیش از جنگ دنبال می کند، برا و ناگزیر به وسیله همان طبقه در عمل اجرا می کند" (جنگ و انقلاب) یکبار گزیده و درستی خود را نشان داد و این بهترین درسی است که جنبش انقلابی ایران و توده های تحت ستم میهن ما، چوبه در یکسال گذشته آموختند. زیرا طول جنگ نه تنها ذره ای در سیاستهای خلقی و ارتجاعی رژیم شمشیری صورت رفت، بلکه بالعکس سیاستهای رژیم تجاری سراسر گذشته ادا می یافت. رژیم

سیاستهای سرکوبگرانه خود را تشدید نمود. به بهانه جنگ مبارزات توده ها را قهرآ میسرکوب کرد. هر مدای اعتراضی را در گلو خفه کرد. سرکوب خلق تحت ستم کرد داشت بخشید، آزادیهای سیاسی توده ها را به بهانه مقتضیات و شرایط زمان جنگ محدود و کم بکنی با یسما ل نمود. سازمانها و گروههای انقلابی و دیگرات را از پر شدترین فشارها قرار داد. موج سرکوب، باز داشت و اعدا میسما را به چندین سراسر افزایش داد و این امر نمی توانست در شرایطی که با سرنگین هربسهای جنگ نیز بردوش زحمتکشان قرار دارد، به تشدید تها و وحدت یابی مبارزات توده ها و از میان رفتن توهم بخش عظیمی از توده ها نسبت به حکومت منحرف کرده. از همین روست که در حالیکه در آغاز جنگ و در مدتی کوتاه موج - شونیم توده ها را فرا گرفت و دفاع طلبی سمورت یک مسئله سیاسی روز توده ها درآمد، حتی در میان بخش وسیعی از توده ها این تمایل وجود داشت که به دا و طلبانه عازم جبهه جنگ شوند و نمونه های متعددی از این موارد در کارخانه ها وجود داشت. اما این موج دیری نپاشید و بسیار زود سراسر آنچه که تصور می رفت توده ها در سبب از لزم آموختند و بتجربه دریا فتنه که در این جنگ چیزی حرف قسر دم افزون، بیگاری، کمبود ما به یسما ل، افزایش سراسر آ و رفیقت کالاها، آوارگی و علامه فشارهای ستمدانه اقتصادی و سیاسی عاید آنها نشده و نخواهد شد، اما در عوض - این سرمایه داران سبب تجار و ملت خور با زار و انحرافات جهانی هستند که سوده های چند میلیار دی بجهت میزنند. همچنین این مسئله که بیش روشن شد که در این جنگ جنایتکارانه بیمان اندازه که دولت عراق مسئول است، دولت ایران نیز مسئول می باشد و این جنگ بهمان اندازه انداز که از تمایلات هژمونی طلبانه سبب و جاه طلبی های سیاسی رژیم عراق ناشی میگردد، از هژمونی طلبی، جاه طلبی های سیاسی و سیاستهای تجار و کارکنان سبب پان اسلامیم رژیم جمهوری اسلامی نیز منشاء میگیرد. از این رو پس از مدتی کوتاه تمایلات طمع طلبی و حالت بی - تفاوتی در میان توده ها گسترش یافت و دقیقاً همین بی تفاوتی و طمع طلبی سبب منای اینست که توده ها آغاز به درگ ما هیات ارتجاعی جنگ نمودند. زیرا - تمایل توده ها به طرفداری از ملج اغلب سبب تنگنا اعتراضی و خشم و درگ ما هیات ارتجاعی جنگ می باشد (سوسالیسم و جنگ) این امر همچنین درسی بود برای کسانی که سبب می گویند سیاست خارجی را از سیاست داخلی منفک کنند و جنگ کنونی را از سوی رژیم جمهوری اسلامی انقلابی و یا تدافعی قلمداد کنند. این جنگ نه تنها بطور عینی در صف بندی نیروها سبب تغییر پدید میآورد، نه تنها تضادهای طبقاتی را بطور عینی تحت الشعاع قرار نداد بلکه بالعکس تضادهای مدام به حدت گرا شد و درگیری و مبارزه را گسترده تر نمود. بنا بر این حتی با ارزیابی و جمع بندی تجربیات یکسال گذشته و سیاستهای رژیم طی این مدت کمترین تردیدی در ما هیات مد انقلابی و ارتجاعی جنگ باقی نمی ماند و تحلیل سازمان را که یکسال پیش با توجه به طبقات درگیر در جنگ، علل و اهداف سیاسی آن و رژیم های سیاسی حاکم بر دو کشور ایران و عراق این جنگ را ضد انقلابی ارتجاعی و غیر ما دلانه ارزیابی نموده اند می کند. اما در این میان لازم است که بر سیاستها و تاکتیکهای سازمان طی این مدت نیز نظری سبب افکنیم و با ارزیابی نقاط مثبت و منفی آن، سبب از سبب، مهمترین مسئله

ای که در اینجا باید به بررسی آن پرداخته شود، تاکتیکها و شعارهای سازمان در این دوران بود. واقعیت اینست که ما علیرغم تحلیل درست از ما هیات جنگ، در اتخاذ برخی تاکتیکها و شعارها سبب خود با تحرفاتی دچار شدیم و این امر برخی مربوط به ارزیابی نادرست ما از وضعیت توده های مناطق جنگ زده و بیابانی دیگر که به نحوی بوی دفاع طلبی از آن میآمد، ناشی از تا سیر گرایشی بود که جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی تدافعی ارزیابی می کرد و این امر به بهترین وجه در بیابانی از رهنمودها و شعارهای سازمان در نخستین هفته های جنگ منعکس گردید. درست است که سازمان شرکت در جنگ دودولت را بر اساس ما هیات این جنگ رد کرد، اما با طرح رهنمودهایی چون "تاکتیک هسته های ملج بطور مستقل دفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ زده، بر خیزد" و یا طرح شعار متناقضی چون "تا تمام توان خود ما هیات ارتجاعی جنگ را با افشا و سبب مقاومت مسلحانه خود از منافع زحمتکشان دفاع کنیم" نوعی سردرگمی پدید آورد. نخست اینکه در تجربه دیده شد، که توده ها اساساً "شهرها را تخلیه کردند و سبب سبب خود را سبب به این جنگ بیگانه احساس نمودند و تا نیا "هیچگونه زمینه ای برای شکل رده سخت رهبری سازمانهای انقلابی وجود داشت و سرانجام طرح این شعارها اساساً نادرست بود. زیرا ای المثل طرح این شعار که تا تمام توان خود - ما هیات ارتجاعی جنگ را تمام کنیم" و سبب دیگر اس عمارت که "تا مقاومت مسلحانه خود را سبب زحمتکشان دفاع کنیم" نه تنها سعاری سبب و منافع بلکه خود نوعی دفاع طلبی است. اما ریشه این تناقض در تحلیل و تاکتیک و نیز سبب تناقض تاکتیکها و شعارها از کجا منشاء میگرفت. این تناقضات در حقیقت بیان دو گرایش و دو برخورد در دوران سازمان نسبت به مسئله جنگ بود. یک گرایش جنگ موجود را از هر دو طرف ارتجاعی، ضد انقلابی و غیر ما دلانه میدانست و گرایش دیگر تحت عنوان جنگ ارتجاعی تدافعی سبب شکل پوشیده "دفاع از میهن" را تومیسه میکرد. علیرغم اینکه سازمان نخستین تحلیل را پذیرفت، با این وجود گرایش انحرافی تا سیر خود را بر برخی شعارها و تاکتیکهایی که در عمل و تجربه نیشز تاد رستی آنها با ثبات رسید و ما از همان نخستین ما هم مجبور شدیم آنها را عملاً کنار بگذاریم زیرا که گذارد، بمنظور آشنائی با این نظرات تعارفی لازمست که در اینجا مختصری در باره آن صحبت کنیم. رفقا سبب که معتقد بودند جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی ارتجاعی - تدافعی است استدلال می کردند که چون مارکس و انگلس در ۱۸۷۰ جنگ میان فرانسه و پروس را جنگی ارتجاعی میدانستند، اما در همان حال بملت تجار و فزارانه سبب آلمان این جنگ را از جانب آلمان - تدافعی میدانستند، ما نیز حق داریم در مقابل رژیم عراق که با ایران تجار و ز کرده است، علیرغم اینکه جنگ از هر دو طرف ارتجاعی است، با این وجود دفاع رژیم جمهوری اسلامی را امری برحق و - عادلانه قلمداد کنیم. رفقای ما سبب توجیه به شرایط تاریخی، بدون توجه به شرایط مشخص کنونی و بدون درک مضمون و معنای واقعی گفتار مارکس می گویند که آن را بطور مکانیکی در مورد ایران - تطبیق دهند. این رفقا "محتوا همزگشوی اصلی پدیده های تاریخی ۳۰۰ ساله و از جمله جنگ ۱۸۷۰ را درک نمی کردند و طبقه در صفحه ۶



فکران قهرمان دربار بخشنامه ارتجاعی وزیر جدید نفت نخواهند رفت

فکران مبارز!

رژیم جنایتکار حاکم همراه با سرکوب نیروهای انقلابی و سرچیدن شوراها - واقعی و دستگیری نمایندگان کارگران و محکشان همچنان سیاستهای ضد خلقی و ضد کارگری خود را دنبال کرده و هر روز با وضع کردن قوانین ارتجاعی که تنهابه سود سرمایه داران است فشار بیشتری بر ما کارگران وارد کرده و از این طریق دشمنی خود را با محکشان بیش از پیش به نمایش گذاشته است.

رژیم حاکم که با دستهای توانای ما کارگران و دیگران محکشان بناحق به قدرت خزیده از همان ابتدای بدست گرفتن قدرت اقدام به باز پس گرفتن دستاوردهای ما کارگران که طی سالهای مبارزه و رنج و درد دست آورده بودیم نمود هم اکنون نیز در دنیا له مان سیاستها اطلاعاتی ما در نموده و تصمیم برای این دارد که ساعات کار را از ۴۰ ساعت به ۴۴ ساعت در هفته افزایش داده و همچنین شیفته را به سه بخش کرده و دستور لغو ۱۰٪ کارگاہی را صادر نموده است.

دشمنان اینگونه اطلاعاتی ما به منتهای واقعی کلمه یعنی اعلان جنگ حاکمان بر ما و محکشان جا میماند. زیرا در شرایطی که فقر و گرسنگی و بیکاری بیداد میکنند گناه دستمزدها را بدون هزینه زندگی روز بروز ادا نم زندگی را دشوارتر میسازد.

رژیم ضد خلقی حاکم به خیال خام خود می خواهد در شرایطی که جوخفقان ایجاد کرده است کارگران را وادار به قبول اینگونه قوانین ضد کارگری کند. اما زهی خیال باطل! این فکرها مبارز طی سالها مبارزه نشان داده اند که هیچگاه زیر بار اینگونه قوانین نخواهند رفت و با اتحاد و یکپارچگی به مقابله با اینگونه اقدامات برخاستند و خواست کارگران مبارز!

با اتحاد و یکپارچگی و با همسان قاطعیتی که رژیم شاه را به زانو در آورده در مقابل اینگونه قوانین ارتجاعی ایستادگی کرده و اجازه ندهیم سرمایه به دارانی که خود را به لباس مستضعفین آراسته اند برای ما تصمیم گیری کنند. سیاست رژیم و با برپایی شوراها و انقلابی خودپوزیر حاکمان سرمایه رانه خاک مالیم.

مرکز حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها و انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان
تا بودیاد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پانگه داخلی
کارگران پیشرو با ایستگاه شیراز ۶۰/۶/۱۷

کارخانه ناپاک

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که روزهای آخر عمر خود را میگذراند سعی دارد به کمک جاسوسی های انجمنهای اسلامی و از طریق خانه گردی، دستگیری، ترور و شکنجه و حاکم کردن جوخفقان به زندگی شکنج خویش ادا نماید. در جریان زیرکوشه ایست از این تلاشهای بی حاصل روز سه شنبه ۱۵ شهریور بعد از انفجار ساختمان نخست وزیری، بدنیال تلفن یکی از اعضای انجمن اسلامی کارخانه با بر به کمیته، با ساداران سرمایه به کارخانه با بیرونی میا ورنده حدود ۲ تن از کارگران و کارمندان را به جرمهای چون تریک گفتن به دیگر همکاران به علت کشته شدن رجا ری و با هنر، اظهار خوشحالی کردن از انفجار، داشتن اعلامیه و اتهام - هاشی نظیر این، دستگیر و به کمیته تهراتپارس و سپس کمیته هفت حوض تارک برده می شوند. با ساداران قبل از دستگیری کدهای کارگران را میگردند و همچنین به خانه، تعدادی از آنان رفته و با زورسی به عمل می آورند.

درباره تاختیکهای نوین

بقیه از صفحه ۵
بکار گرفته شده است. نشانه گرایش مثبت این سازمان در جهت بکار گرفتن تاکتیکهای است که هدفش بسیج توده ها است. این تظاهرات موضوعی که در مناطق مختلف تهران در مدت زمان محدودی صورت گرفت کام بسیار مثبتی باید محسوب شود. این تظاهرات موضوعی که بصورت اجتماع ۱۰۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر با معاضدت مسلمانان توده ها در شعار دادن سرخ انجام شد، توانست در همان مناطقی توجه و حمایت ضمنی توده ها را جلب نماید. هر چند هنوز نمونه های زیادی از پیوستن توده ها به این تظاهرات را در دسترس نداریم و از تعداد دستگیریها و تلفات نیز هنوز آمار دقیقی داده نشده است، ولی میتوان با بررسی منطقه عمل، تجمع سرخ و دادن شعار، کاهش زمان تظاهرات و خارج شدن از منطقه با برنانه قبلی و شنا سازی کامل میزان دستگیریها را به حداقل کاهش داد. تجربه ما بر جنبش ها و تجربه جنبش خودمان نشان داده است که در شرایطی که ترور و اختناق حاکم میباشد فراموش شده است، تظاهرات وسیع هنوز از برد توده های نسبتاً خوبی برخوردار می باشد و هم اینکه میزان دستگیریها و تلفات را به حداقل ممکن تقلیل میدهد. در شرایط کنونی که ترس ناشی از سرکوب و ارباب بر توده ها مستولی شده و جنبش دچار رکود موقت شده است، پیوستن توده ها به این تظاهرات و عدم حمایت فعال آنها، بخصوص زمانیکه تظاهرات موضوعی به درگیریهای مسلحانه کشیده میشود، امری طبیعی است و نمیتوان انتظار داشت که توده ها بیکباره سیاست خود را در یک سکون موقتی به مبارزات وسیع و گسترده دست بزنند، بلکه توده ها بتدریج به مبارزه

بعد از ورود کارگران به کمیته ها، با ساداران این جلادان خلق زحمتکش به یکی از شیوه های مرسوم خود به منظور ترساندن و مرعوب کردن کارگران دست میزنند. بدینصورت که کارگران را چشم بسته به کناره دیوار می نشاندند و گنگیدن تفنگهایشان را می کشیدند و طوری وانمود می کنند که قصد امداد تیراندازی کنند. بعد از این اقدام کثیف و ضد بشری، پس از کشتن با زحمتی سؤال پاسخ کردن، از کارگران میخواهند که نقش جاسوس را در کارخانه ایفا کنند و در شنا سازی کسب کاران و به اصطلاح ضد انقلابیون به آنان باری رسانند و سپس با قیدضمانت (سندخانه) تا ساعت ۱۱ نیمه شب به ترتیب آزاد میشوند.

دوستان کارگرا بیاید با توده ها تا متحد و یکپارچه به مقابله با این اقدامات برخیزید، موج خانه گردی، دستگیری، شکنجه و اعدام همکاران و فرزندان و بیانشی خودتان ادا نم خواهد یافت و شنش و شنشها ایستاد و قدرت یکپارچه کارگران سرمایه ها را با مقابله با این یورش وحشیانه را خواهد داشت.

و به جنبش کشیده میشوند. همراه با تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی و تشدید تناقضات اجتماعی، انرژی بیکران توده ها در اشکال گوناگون مبارزه توده ای جریان خواهد یافت و بیست گزیر و بیست گزیر از مراحل گوناگون رشد و گسترش عبور خواهد کرد. و نمیتوان از مراحل ضروری رشد و تکامل جنبش توده ای چشم پوشید، اینکه هم اکنون نمیتوان یک اعتراض گسترده توده ای را سازمان داد نباید موجب بی توجهی نیروهای انقلابی در جهت سازماندهی مبارزات پراکنده و محدود توده ای گردد. هم اکنون به علت گرسنگی شدید تارخا پستی توده ها، در کارخانجات، ادارات، در روستاها، محلات، مناطق مختلف و غیره... شطقه های اعتراضی شکل میگیرد، ما باید در جهت سازماندهی این اعتراضات توده ای انرژی خود را متمرکز سازیم، این اعتراضات را گسترش دهیم و در جهت پیوند دادن این اعتراضات بیکدیگر و ایجاد جنبش بهم پیوسته توده ای تلاش کنیم و اخبار مبارزات و مقاومتها توده ای را در سطح گسترده در میان مردم تبلیغ نمائیم.

هم این اخبار مبارزات توده ای در محدوده بسیار رنگی بخش میشود و نیاز به تبلیغ وسیع مبارزات توده ای کاملاً محسوس است و هم کاری نیروهای انقلابی در این زمینه کاملاً چشم میخورد. باید از هر طریق ممکن، رادیو، اعلامیه، نشریه، تراکت، تبلیغ شفاهی و غیره... اخبار مبارزات توده ها را بسوی مردم برسد و شور مبارزه را در توده ها دامن زد. باید در هر محل و مکانی به سازماندهی اعتراضات توده ای اقدام کرد و تشکل های لازم برای این مقصود وجود آورد.

بخصوص رفقای کارگری و شیوه سنجینی در فعال رهبری و سازماندهی اعتمادات اقتصادی و سیاسی کارگران بر عهده دارند و باید از طریق تشکیل کمیته های محلی اعتصاب از کارگران مورد اعتقاد، ایجا دستنویق و اعتصاب غیره در جهت هر چه گسترده تر و متشکل تر کردن مبارزات کارگران کام بردارند.

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

اعتراض کارگران...

بهدا ز صفحه ۱

عرضی در تاریخ ۶۰/۶/۸ طی بخشنامه ای اعلام کرد که باید در اسرع وقت و حداکثر ظرف دو هفته بر نامه های نوبت کاری دریا لاینکا هها، تاسیسات بارگیری، بخش وسابیرکارگانهای مشابه صورت سنوبت ۸ ساعتی زهره بیست و چهار ساعت تنظیم گردد. "اجرای این دستورالعمل از تاریخ ۶۰/۶/۲۲ توسط رئیس پالایشگاه تهران مسورداجرادرامد و دریا لاینکا ههای شراز، اصفهان و تبریز همبخش نامه های مربوط به اجرای آن ابلاغ شد.

عرضی همراه با این اقدام خود که طبقاً نمیتوانست مورد استقبال کارکنان باشد (زیرا آنها مدت زیادی سخاظحقوقی ز تعمیرسات نوبت کاری مساربه موفقیت آمیزی را از سرکارنده اند) دستورالعمل کارگاهی و اضافه کاری نیز قطع شده و تعطیل پنج شنبه ها نیز لغو گردید.

بدین ترتیب بود که وزیر جدید نفست کارکنان مسارزاین صنعت را به مسارزه دعوت کرد و هم اکنون با تصمیم بر قطع سایر حقوق و مزایای کارکنان دلبر صنعت نفست همزمان سر سخنانه بر موضع ارتجائی و ضد کاری خود ایستاده است.

کارگران صنعت نفست نیز در مسارز ایران به این اقدامات ضد انقلابی و ضد کاری پاسخ داده و بلافاصله موجی از اعتراض سراسری پالایشگاه وسابیر قسمت هاراد بر گرفت. اقدام مستقل کارکنان پالایشگاه تهران بخاطر اجرای طرح نوبت کاری بشکل سابق ونه مطابق دستور وزیر جدید و اقدامات مشابهی که دریا لاینکا هها صورت گرفته است نشانه اند که آستاندار سابق خوزستان ، کردستان ، گنبد و... به مددگی و یاد دوشننامه نمیتوانند حقوق کارگرای را که نقض بر جسته خود را در انقلاب بخوبی دریافته و آنرا یکبار در دوران رژیم مشغور و سرسپرده شاه به نمایش گذاشتند سادگی از چنگ آنها بر بیاید. هر چند که اورساتش همین باشد و پیشوانه اش هم بسادگا هها و نیروهای سرکوبگر ضد انقلاب اما این بار اوما کارگرای روبروست که حرکت وزین و بر ملایت آنها نه تنها موانعی همچون عرضی را بهیچ میکسرد بلکه طومار سنگین وسیاه عالمی سرسپرده همچون شاه خائن را نیز در هم میشکند. وباشک اعتصاب سراسری وقهر مانانه تا فرار

شاه نقطه پایان مطلوبی بر اعتبارات و نظارات خیابانی میلیونی مردم نگذاشتند. از اینروست که کارگران در مسارزه خود بخاطر حفظ دست آورده های فیما و آنچه که نتیجه مبارزاتشان در طول سالهاست به عرضی هشتاد میدهند و آرام آرام به احوالی میکشند که اونا توانست از آن است که بتوانند در مسارز ابرار آه - آهنین کارگران مقاومت کنند.

در یک نامه دو صفحه ای که با امضای نمایندگان خطوط لوله کوهدهشت ، سندیکای منطقه زنجان ، سندیکای شرکت ملی گاز شورای کارکنان خطوط لوله ومخابرات آراک ، سندیکای مستقل کارگران بخش تهران ، نمایندگان اصفهان و بخش های دیگر رسیده است کارگران می نویسند:

"قای عرضی ، انتظار ما نمایندگان واقعی کارگران آن بوده که پس از منصوب شدن به بیست وزارت نفست در اولین فرصت نمایندگان کارگران را دعوت وبخضور سیدرسدوازشکلات ومساثل کارگرمسارز با اطلاع شوید. ولی متاسفانه تا ما ندیم خبر شویم که شما به وزرات منصوب شده اید بخشنامه ای از طرف شما صادر شده فوق العاده کاری که رگاهی قطع شود، و از طرفی اضافه کاری را نیز ممنوع اعلام کردید و انظور که برادران ما که حضورتان رسیده اند میگوند، در فکر قطع مزایای دیگری از کارگران نیز هستید، ما در وهله اول توجه شما را باین مسئله جلب میکنم که کارها نیکه انجام داده اید خلاف قوانین کار ومصوبات وزارت کار است.

آنها در ادامه نامه خود ضمن اعتراض به لغو تعطیل پنجشنبه ها می نویسند:

"انتظار یکایک کارگران ازدولت انقلابی (ا) این است که پس از انقلاب قوانینی بتصویب برسد که امکانات و رفاه بیشتری برای کارگران در نظر گرفته شود نه اینکه مزدومزایای را هم که در زمان رژیم منحوس واستبدادی و استعماری گذشته ما کارگران با مسارزه بی امان خود و جروح شکسته فراوان و از دست دادن زندگی وزندانی شدن و تبعید شدن کارگران بدست آورده ایم شما با یک بخشنامه آنرا از ما بگیریید. آنها در پایان ضمن طرح یکسری خواسته های خود خواسته اند که طبق قانون کارریمان دسته جمعی منتهقد گردد.

همینطور کارکنان آزمایشگاه ، کارکنان عملیات روغن سازی پالایشگاه تهران ، کارکنان آب وبخار و تبرق جنوبی وشمالی مخازن پالایشگاه ، کنترلر ۱ شمالی و جنوبی ، کنترلر ۱ شمالی وجنوبی و

کارکنان تصفیه آب پالایشگاه تهران - ضمن نامه ای برای عرضی وزیر نفست یادآور شده اند که بخشنامه های صادر شده در رابطه با نوبتکاری دریا لاینکا هها "بخز تضعیف روحیه ودلسردی نسبت به جویان امور مشردیگری نداشته است." آنها دلایل خود را در ۱۱ مورد برای اثبات عدم کارایی طرح جدید وزیر تا زه از راه رسیده اعلام داشته اند.

آنچه امروز در صنعت نفست میگذرد - نمونه بارز ارزاق اقدامات ضد کاری و ضد انقلابی رژیم حاکم که در عین فشار گران و تورم ، حقوق کارگران را مرتب کاهش میدهد، شرای سخت کار را ساختن میکند. ساعات استراحت آنها را کم میکند شغل پنجشنبه ها را لغو میکند و در عین تشدید بیکاری کارکنان صنعت نفست را در خمرانی های خود تهدید به اخراج میکند. اما بیخبرین میخواندند که کسه کارکنان مسارز صنعت نفست با انحصار ، همستکی و پایداری که تا کنون مکرر نموده های آنرا نشان داده اند ، احسانه نخواهند داد که این رژیم ضد کاری دست آورده های مبارزات چندین ساله آنها را از پس بگیرد. امروز عرضی بعنسونان نماینده رژیم در حالی که رودر روی - کارکنان قرار گرفته است در یک مسارز کارگران مسارز صنعت نفست که هر روز - مسافعتان و آبدیده وزندگیشان تهدید میشود و در مسارز دیگر قرار گرفته اند. این مسارزه بدرستی مسارزهای میان انقلاب و ضد انقلاب محسوب میشود. در این مسارزه بی تردید پیروزی از آن کارگران وجهبه انقلاب خواهد بود و در این مسئله کمترین تردیدی نیست که کارگران این صنعت با توجه به تعارب مسارزانی گذشته خود ،

بویژه نیار به شکل ، هم آهنگی و یکپارچگی هر چه بیشتر ، پیروز مردانه این مسارزه را پیش خواهند برد. بدین منظور ضرورت است که در جهت وحدت ، شکل و یکپارچگی هر چه بیشتر ، از طرح خواسته های پراکنده و متغایوت برهیز شود و اساسا "برخواست های عمومی وهمگانی تاکید شود.

خواست تعطیل پنج شنبه ها ، برداخته حق کارگرای ونوبت کاری ۱۲ ساعته خواسته های است که هم اکنون در مسارز صنعت نفست نیروهای زیادی را حول خود بحرکت درآورده است. تاکید بر این سه مورد در حال حاضر میتواند مسارزات کارگران را در این صنعت متحد ، متشکل و یکپارچه سازد و مبارزات آنها را به نتیجه برساند، در عین حال که به تجربه در این مدت نزدیک به سه سال پس از قیام سه اشیا رسیده است که مسارزه در راه دستیابی به حقوق کارگران از طریق اقدام مستقیم آنها عملی بوده است. از این طریق بوده که اقدام کارگران برای عدم اجرای دستوروزیر سابق نفست جهت حاضر شدن سرکار در روزهای پنجشنبه ، به تصویب شورای انقلاب رسید. وقتی همه کارگران بدون توجه به بخشنامه های شاها نه پنج شنبه ها سرکار حاضر نشدند آنگاه تعطیلی شکل قانونی گرفت. همینطور زمانی که طرح نوبت کاری ۸ ساعته از جانب کارگران رعایت نشد طرح ۱۲ ساعته تشیبت شد. امروز نیز بهترین مومو، شورتن شیوه مسارزه این اقدام مستقیم خود کارگران است. با میدپیروزی برای کارگران دلبر و مسارز صنعت نفست.

خبریه خانه های مساطوق جنگم زده

پس از گذشتن از قیام جنگی که سازمان نارتبه نقره کشی وی مساطوق متباهان که در جزیره ماهمشترابه داران رژیم جاس آمان را ندان هفتد مسارتیر - ریزهشوری انلاسی ، زبسه بناسرا مان انلاسی و... بمسبوری دهگل ، فلس مسوان مسردیبراهیم جیاسی به سرکرده کس انجیاسم آمریکا ساکگه ، ماظسور.

دو با زمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانه

۱۳۰۷۷

دو روز تعطیل ، ۴۰ ساعت کار در هفته ، حق مسلم کارگران است



درباره تاکتیکهای نوین

نقشه از صفحه ۱

مدت دو ماه ونیم این اندیشه را ممکن است تقویت کرده باشد. اما هرگاه دید محدود و احساسات لحظه را بکنار رها ده و تجربه جنبش های انقلابی دردیگرما لک و تجربه جنبش توده ای در سه سال ونیم اخیر نظری بیافکنیم بی پایه بودن چنین برهانی را بسادگی درخواهیم یافت. درگذشته نیز برخی ها تصور می کردند که دیکتاتوری خشن و سرکوب وحشیانه رژیم شاه اجازه رشد و گسترش و جریان یافتن مبارزات گسترده توده ای را نخواهد داد. و در واقع بیژن جزئی در آن شرایط بدرستی در برابر این قصیل استدلالهای چپروانسه و غلط نوشت:

"بحران اقتصادی و سیاسی، تشدید تضادهای درونی طبقات حاکم، ضعف دولت در اعمال حاکمیت خود و اداره و کنترل سیستم و در صف مردم را نشانی شدیدی که ادامه وضع موجود و تحلیلی ستم طبقه حاکم رژیم را غیر ممکن می نماید و توده ها را به حرکتی بی سابقه و تاریخی که در شرایط عادی از آن اجتناب می ورزند میکشاند. در چنین موقعیتی اگر حتی شرایط ذهنی یعنی سازمانها و عوامل آگاهانه توده و اجرا کنندگان ماده نباشند و جنبشهای خود انگیخته نتوانند به یکپارچگی و همبستگی و هماهنگی و به علاوه جهت، هدف و مناسبت انقلابی درنا بودا سخن دشمن دست یابند رژیمها، هر قدر مستعد یا شدن می توانستند مانع ظهور این جنبشها شوند. اگر دیکتاتوری رژیم ما نماند گذشته مطلق شود توده ها بدون هیچ سازمان شایسته رهبری کشته می شدند و در یک کلام اگر شرایط ذهنی نتواند اثر خود را بر شرایط عینی بگذارد، در این صورت تضادهای اجتماعی به رشد یابند خود ادامه میدهند و در یک موقعیت بحرانی، هنگامیکه دیگر چنان مردم به لبشان رسیده، هنگامیکه ستم و استیصال غیر قابل تحمل شد، هر قدر دیکتاتوری خشن باشد، بحران ظهور خواهد کرد و شورشی کوربا نیمه آگاه جامعه را در بر میگیرد. "و همانگونه که شاهد آن بودیم، دیدیم که چگونه این پیش از این ها در دست آزاب در آمد و علی رغم اختناق و سرکوب موج مبارزات توده ای و تظاهرات میلیونی بوقوع پیوست. با دیدن نظرداشت که در دورانی که رفیق بیژن جزئی این جملات را نوشت دوران رکود سیاسی بود و ما امروزه در یک دوران انقلابی بسر می بریم. از سوی دیگر نتوان انتظار داشت که جنبش درست و عینا " به همان اشکال سابق خود رشد و گسترش و تکامل یابد و بطور قطع یقینا زو بزرگی های غامی برخوردار خواهد شد. ممکن است ما چون گذشته شاهد تظاهرات چند میلیونی مسالمت آمیز توده ها نباشیم ولی مسلما در نتیجه عملکرد تضادهای اجتماعی و بحران اقتصادی و سیاسی موجود، باید انتظار بهبود و گسترش حرکات توده ای در اشکال ویژه ای که از پیش بطور کاملاً مشخص میتوان آنرا تعیین نمود، باشد. و در جهت تسریع آن گام برداریم. بدون گسترش حرکات توده ای و بدون شرکت مستقیم توده ها در مبارزه، جنبش انقلابی فاقد نیرو و توان حیاتی بخش خود خواهد بود. بهر رو، امروز چنانچه از راهی که ما مشتمل در تاکتیکهای مجاهدین نمودار گشته است.

تاکتیک های اخیر تظاهرات موضوعی مجاهدین که از نیمه شهریور ماه بدینسو

این عملیات نظامی در جهت راهگشایی جنبش توده ای است. بنا بر این سازماندهی مبارزات و اعتراضات توده ای، اعتصابات و تظاهرات... و خلاصه تمام اشکال که بتوانند توده ها را در مبارزه علیه رژیم حاکم بسیج کرده و سطح مبارزه آنها را ارتقا دهد، همچنان اساسی ترین وظیفه ما است و عملیات رزمی صرفاً " یک تاکتیک فرعی محسوب می شود. اما عملیات مسلحانه - ای که از سوی سازمان مجاهدین خلق طی سه ماه گذشته صورت گرفت و تا حد مطلق کردن تاکتیک نظامی پیش رفت، این سؤال را پیش آورده بود که آیا مجاهدین خلق میخواهند جای خالی عدم حضور فعال توده ها را از صحنه، با حضور فعال خود در صحنه، از شهم بشکل مطلق کردن عملیات مسلحانه پر کنند؟ آیا اینکه با این عملیات رژیم را سرنگون سازند؟ مسلماً " هیچ دگرگونی اساسی و انقلابی بدون شرکت واقعی و فعال توده ها بوقوع نخواهد پیوست و بدون تکیه اساسی بر توده های وسیع زحمتکشان، رژیم بشوهد ای انقلابی سرنگون نخواهد شد. نیروی محدود و بیثبات جنگ نمیتواند جایگزین نیروی لایزال توده ها گردد. بدون شرکت وسیع توده ها، انقلابی رخ نمیدهد، تعویض یک قدرت حکومتی با قدرت حکومتی جدید بدون شرکت وسیع توده ها، تنها از طریق یک کودتا و یا تکیه بر نیروهای مسلح موجود میتوان صورت بگیرد، که هیچگاه نیستی و اندک بزرگترین انقلاب گردد. و تاکتیک هایی که بسیج و متشکل کردن توده ها را هدف بلاواسطه خود قرار میدهند در حد تاکتیک های کودتا گرانه و از "بالا" باقی خواهد ماند. و مسلماً " نیروهای انقلابی می باید نیروی خود را در جهت تحقق انقلاب متحرک کنند. توان و قدرت انقلابیون در اینست که از منافع توده ها حرکت می کنند و تنها با بسیج وسیعترین توده ها بدل به نیروی سیاسی شکستنا پذیر خواهند شد. و تنها با نیرو و انرژی لایزال توده ها است که دگرگونی های انقلابی صورت واقفیت بخود خواهد گرفت و از همین روست که انقلابیون باید تاکتیک های را انتخاب کنند که دارای ظرفیت بسیج توده ای باشد.

اما در طول دو ماه ونیم گذشته که تاکتیکهای مسلحانه، بهمانه تاکتیک عمده و تا حدی مطلق از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران بکار گرفته شد، حرکت های توده ای و کوشش برای یافتن راههایی که بتوانند توده ها را به مرحله مبارزه گشاده و خشم و نفرت عظیم توده ها را در حرکات اعتراضی شان متجلی سازد با بی توجهی کامل این سازمان مواجه بوده است. شاید برخی ها این گمان بوجود آمده باشد که سرکوب خونین و قهراً میز هرگونه اعتراضی از سوی رژیم امکان بروز اعتراضات اقتصاد دوسوسی تظاهرات و حرکات وسیع توده ای را غیر ممکن ساخته است و تنها پیدا ترزی خود را در این جهت متمرکز نمائیم. فقدان حرکت های وسیع توده ای قابل لمس در این

تجربه جنبش توده ای در این مدت و نیز تجربه تمام جنبش های انقلابی در سراسر جهان، این حقیقت مسلم را بیست رسانده که اشکال مبارزاتی توده ها تابع اراده این بیان فردی یا سازمان توده واز - قانونی های معینی نیستند. توده ها در هر صورت رویدادهای واقعی اجتماعی بدون جنبش گشته میشوند. و نمیتوان بطور مصنوعی و بزور تکلیفی از مبارزه ای بر آنان تحمیل کرد. تنها لحاظ کامل بر قانونی های عینی مبارزه طبقاتی و بررسی روند عینی مبارزات توده ها و مسیر رشد و تکامل آن، میتواند ما را در رهبری آگاهانه مبارزه طبقاتی و متشکل کردن اشکال مختلف مبارزات توده ای و آگاهی بخشیدن به این مبارزات و ارتقاء سطح شکل گسترش و تممیب مبارزه طبقاتی یاری رساند. کوشش برای تحمیل شکل مشخصی از مبارزه بدون توجه به روند عینی مبارزات توده ها و مسیر تکامل آن، بدیده ای آوانگار رستی بوده و بیشتر اوجه جادای توده های وسیع سوق میدهد. این مسئله بخصوس امروز که پس از ۱۳ ماه خرداد، یورش همه جانبه رژیم برای سرکوب سازمانهای انقلابی و جنبش توده ای ایما دسیاقه ای بخود گرفته و منجر به افنی بودن در مبارزات آشکار توده ها گشته، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد. ترور و اختناق و سرکوب لحام گسیخته و دیوانه و رژیم جمهوری اسلامی و مرعوب شدن توده ها، زمینه را برای بروز بدیده های انحرافی آوانگار رستی در برخی از سازمانها پدید آورده است. پس از سرکوب مسلحانه و خونین تظاهرات سازمان مجاهدین خلق در ۳۰ خرداد، حملات مسلحانه به کمیته ها، ترور و بمب گذاری و... در ایام دوسوسی از سوی برخی سازمانهای انقلابی، بیوزه - سازمان مجاهدین خلق صورت گرفت. همانگونه که ما پیش از این در مقاله "سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی" بدان اشاره کردیم در شرایط کنونی با معامه که حکومت و یا توده های سیاه وابسته با آن میکوشند با ایجاد جواریاب و وحشت توده ها را مرعوب سازند، یکی از وظایف فوری جوخه های رزمی سازمانهای انقلابی، مقابله با توده های سیاه، ترور و ترور منصفو رهبران این توده ها، جمله به مراکز ستم و سرکوب رژیم می باشد ما توضیح دادیم که این عملیات رزمی نه تنها مجاز بلکه ضروریست. اما در همان حال بر این مسئله تاکید نمودیم که هرگونه مطلق کردن و یا عمده نمودن این تاکتیک کاملاً " خطاست و اگر کما می تصور می کنند که با این تاکتیک قادرند رژیم را سرنگون سازند و یا توده ها را از این طریق به مبارزه مسلحانه بکشانند، همگسی در اشتباه اند. بلکه این عملیات که با عظمت آموزش و رهبران جنبش توده ای در قیام پهنه صورت میگردد، هدف فوری

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

يك اوزیابی مجدد از مسئله جنگ

تجدید صفحه ۲

است که ادامه دارد. دلائل این امر را -
با بد در موفقیت سیاسی رژیم جمهوری
اسلامی و اهدافی را که این رژیم دنبال
می‌کند جستجو کرد. رژیم جمهوری اسلامی
از این جنگ و ادامه آن بجز توان وسیله‌ای
برای خفه کردن مبارزات و اعتراضات
مردم استفاده می‌کند. این رژیم در
شرایطی که قادر نیست به نیازهای
توده‌های مردم پاسخ دهد از ادامه جنگ
بغضوان وسیله‌ای برای سرکوب
مبارزات مردم می‌برد. بنابراین "جنگ
حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی تا مدتی
از ادامه این جنگ بجز توان وسیله‌ای برای
مبارزه با رقبای لیبرال خود استفاده
کرده و همه‌تگونه که ما در سرفصله ۲۹ بدان
اشاره کردیم گوئییم اگر جنگ طولانی
شود، مواضع حزب جمهوری اسلامی در -
مقابل لیبرالها تقویت خواهد شد. اما
ادامه جنگ با این هدف خودنائل آمد و -
با آنچه مهمتر از همه رژیم جمهوری اسلامی
دارای بلندپروایها و جاه طلبیها و
توسعه طلبیها نیست که از همان آغاز
در سیاست با اسلامیم رژیم و وعده
حکومت جهانی اسلامی بتوده‌های متوهم
در برابرنا سونالیسم غربی در منطقه
متمحلی شده است. هرگونه پذیرش آتش بس
و صلح بمعنای شکست قطعی این سیاست
در انظار توده‌ها و برپا داشتن تمام
آرزوهای روحانیت فتری و جاه طلبیهای
بورژوازی حاکم محسوب می‌شود. بهررودر
شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی
در برخورد با مسئله جنگ درین بس
قرارداد را از یکسوی آگاه است که
توانایی پیروزی در این جنگ را فاقد
است و از سوی دیگر میدانده که با پایان
یافتن جنگ و پذیرش رسمی شکست، -
مبارزات مردم علیه آن تشدید خواهد
شد. در هر حال یک واقعت مسلم است
و آن ادامه بحران اقتصادی - سیاسی
موجود در شرایطی مردم است. اگر
تحلیل ما در یک سال پیش مبنی بر اینکه
در جنگ بحران اقتصادی و سیاسی حاکم
برجای سعه را گسترش خواهد داد و در آینده
تشدید مبارزات طبقاتی را به دنبال
خواهد داشت. سیر جنگ و نتایج آن برای
ایران هر چه باشد عوارض ناشی از جنگ
با توجه به ماهیت طبقاتی حاکمیت، -
بپایگاه توده‌های جمهوری اسلامی را در
پرونده زمانی تضعیف خواهد کرد. حاکمیت
بیش از پیش در شصت خودنا توانست
خواهد شد. تشدید بحران اجتماع
درگیریهای جناحی اصلی حاکمیت
را گسترش خواهد داد. و جنگ در کوتاه
مدت برپا به احساسات ناسیونالیستی
توده‌های خلق اگر نتواند موجبات گسترش
بپایه توده‌ای هیئت حاکمه گردد، اما این
حالت روحی توده‌ها با فرونشستن جنگ
ورشدنا بسا ما نتیجه‌ای اجتماعي تغییر
کرده و بیه‌تاریخی توده‌ها را من خواهد
زد... (کار ۲۹) امروز بدستی اشکات
شده است و تا دم این شرایط نمیتواند
در آینده نتیجه دیگری جز سرنگونی رژیم
جمهوری اسلامی را در برداشته باشد.
بحران اقتصادی و سیاسی موجود باز
هم زرف تر خواهد شد و با اوج گیری -
مبارزات توده‌ها زیر فشارهای اقتصادی
- سیاسی موجود رژیم جمهوری اسلامی
از پای در خواهد آمد.

"جنگ ۷۱- ۱۸۷۰ تا زمانیکه ناپلئون
سوم شکست خورد، از جانب آلمان از
نظرتاریخی جنگ مترقی بود. ناپلئون
و همجنین، تزارسها آلمان را مورد ست
قرار داده و آنرا در شرقه فتودا لسی
نگاه داشته بودند. اما همیشه جنگ ن
تجاوز به فرانسه گسترش یافت (الحاق
آلزاس و لورن) مارکس وانگلس پیشد
آلمان را محکوم ساختند...."
(سوسیالیسم و جنگ)

بهررودر گره تحلیلی که جنگ را ارتجاعی
- تدافعی میدانست از سوی سازمان
زدند، با این وجود تا شیر خود را برپا راه
از سیاستهای سازمان برجای گذاشتو
علیرغم اینکه از همان روزهای نخستین
آغاز جنگ، مجبور شدیم که بتنا کتیکهای
دیگر متوسل شویم، با این وجود لازم
میدانست به خاطر طرح یک چنین شعارهای
از خود انتقاد نکنیم. با اعتقاد ما یگانگ
سیاست درست و انقلابی تحریم جنگ بهر
شکل آن، تلاش در جهت افشای ماهیت آن،
و گاروسیع تبلیغی و تهییجی علیه جنگ
در میان توده‌های مردم پیروهای ارتض
بود. در همان حال ما همچنان برای
اعتقاد هستیم که در آن شرایط با توجه
با اینکه هنوز اکثریت توده‌های مردم
نسبت به حاکمیت متوهم بودند و هنوز
ماهیت جنگ را درک نکرده بودند طرح -
شعار تبدیل جنگ به یک جنگ داخلی
بصورت یک شعار تبلیغی روزا متری
تا درست و زبان آور بود. اما امروز
شرایط آن مرحله از تکامل خود رسیده
است که در همان حال که با بد در میان
آوارگان و توده‌های مردم مناظر، جنگ
تسلیمات وسیعی را علیه جنگ و متشکل
کردن آنها حول مبرمترین خواستهاشان
پیش بریم و در نتیجه‌های جنگ نیبنا -
افشای ماهیت ارتجاعی جنگ، سربازان
و توده‌های ارتضی را بمخالفت با ادامه
جنگ برانگیزیم، یکی از شعارهای اساسی
خود را این مسئله قرار دهیم که بسودن
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برقراری
صلح ورهائی از جنگ و فلاتک موجود
امکان پذیر نیست.

سواي مائلی که ذکر شد ما در پیش -
بینی‌های خود در مورد اثرات جنگ و آینده
آن در یک مورد دچار یک ارزیابی نادرست
شدیم. در سرفصله کار ۲۹ نوشتیم "اگر چه
نمی‌توان سر نوشت جنگ، کوتاه مدت و یا
دراز مدت بودن آنرا از هم اکنون بطور -
قطع تعیین کرد، اما بدلائل متعدد از جمله
عوامل درونی و بیرونی، وضعیت اقتصادی
- اجتماعي دو کشور، وضعیت نظامی -
سیاسی، نقش توده‌ها و سیاستهای
امپریالیسم با احتمال زیاد جنگی کوتاه
مدت خواهد بود. تکیه ما اساساً بر وضعیت
اقتصادی - اجتماعي و سیاسی دو کشور
قرار داشت و اعتقاد داشتیم که این جنگ
نمی‌تواند جداگانه از چند ماه تجاوز کند. گر
چه این جنگ پس از هفته‌های نخستین
بصورت یک جنگ فرسایشی مرزی درآمد،
اما با این وجود اکنون حدود یک سال

بهمان استدلالی متوسل میشدند که مدتها
پیش توسط پوترسوف و گائوتسکی مطرح
شده بود و اولین در پاسخ آنها می‌گفتند:
"تمام وقایع تاریخی که پوترسوف و
گائوتسکی نقل می‌کنند به دوران اول -
تعلق دارند.

محتوای این کتب و اصلی بنده‌های
تاریخی دوران جنگ که تها در سال
۱۸۵۵، ۱۸۵۹، ۱۸۶۶، ۱۸۶۶، ۱۸۶۶، ۱۸۶۶... همگی
جنبشهای بورژوازی - ملی یا تکانه‌های
"یک جامعه بورژوازی بودند که خود را از
قید هر نوع فتودالیسم نجات میدادند. در
آن زمان هیچ نوع امکان حرکتات
حقیقتاً "مستقل توسط دمکراسی امروزی
در بسیاری از کشورهای مقده موجود نداشت
... بورژوازی در آن زمان بخاطر شوکت
در جنگها طبقه‌املی رو بر توده‌ها و
میتوانست با نیروی شکننده‌ای در مقابل
سازمانهای مطلقه علم گردد. این بورژوازی
که از طرف اقشار مختلف صاحب شسروت
تولیدکننده کالاها بیدگی می‌شد، بیدرجات
مختلف در کشورهای گوناگون مترقی
بود. بعضی اوقات (بمانند بخشی از -
بورژوازی ایتالیا در ۱۵۸۹) حتی انقلابی
نیز بود. ویژگی عمومی دوران مترقی
بودن بورژوازی یعنی مبارزه ل نشده
و تا زمان سر ضد فتودالیسم بود. در آن
زمان بسیار طبیعی بود که راهنمای عناصر
دمکراسی امروزی و مارکس بعنوان نماینده
آنها، اصل غیرقابل تردید پستیانیسی
برای بورژوازی مترقی (یعنی آن که
قادر به مبارزه است) بر ضد فتودالیسم
باشد و طبیعی است که ساله "پیروزی -
کدام طرف" یعنی کدام بورژوازی دلخواهتر
است مسئله آنها باشد.... (بزیسر
برجی دروغین) این رفقا نیز می‌گویند
با استنادا درست به نوشته‌های مارکس
دفاع طلبی خود را توجیه کنند. زیرا در -
این مسئله کمترین تردیدی نیست که
در صورتاریخی کنونی بورژوازی هیچگونه
رسالت انقلابی است که مناد شود. سواي این
مسئله بطور مشخص نیز بورژوازی حاکم
برایران نیز از هرگونه رسالت انقلابی
و مترقی شایسته است. پیروزی رژیم سیاسی
حاکم نه میتوان در همه در هم شکست،
مناسبات کهنه موجود، کسب استقلال،
رشد جنبشهای انقلابی و مترقی شود، و نه
میتوانند تنفع ملت‌های ایران و جهان -
باشد. بلکه بالعکس همانگونه که امروزه
شاهدیم، بورژوازی حاکم، آنچنان
سیاستهای ارتجاعی در پیش گرفته است
که حتی از باره‌ای جهات می‌گوشد جامعه
را بسوی موه سات فرتوت قرون وسطائی
سوق دهد، و آنچنان که در افغانستان
لیتان می‌بینیم جنبشهای ارتجاعی
را تقویت میکند. هر دو رژیم حاکم عراق
و ایران بیکسان ارتجاعی و ضد انقلابی
- اند. موضع پرولتاریای انقلابی
در هر دو کشور سرنگونی رژیم‌های حاکم
است نه پستیانیسی از این یا آن بورژوازی
در حالیکه در آلمان ۱۸۷۰ وضع بگونه‌ای
دیگر بود.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



رهنمود به هواداران

صفحه ۱ از صفحه ۱

پیک انقلاب باشید و خود را برای نبرد قطعی آماده کنید، انقلاب دوباره اوج می گیرد

اینک اینطور بنظر میرسد که دیگر رژیم مطابق میلش بر اوضاع مسلط شده و - توانسته است راه رشد جنبش اهترازی توده ها را سد و آنان را برای مدتی طولانی "به خانه ها بیسان بفرستد" هر کس که حتی الفبای مارکسیسم را بشناسد و یا تجارت تاریخی جنبش های جهان را بدرسستی مطالعه کرده باشد، - میدانند که بحکم قوانین حاکم بر پدیده ها روند تحولات اجتماعی و سیاسی هرگز در مقابل اعمال قهر (حتی با شدیدترین دیکتاتوریهایی) متوقف نمیشود. بویژه در دورانی انقلابی (که توده ها از آگاهی و شور و شوق نسبی برخوردارند) و در شرایطی که عموم مردم زیر فشار فقر و فلاکت قرار دارند، سلب حقوق و آزادیها و اعمال قهر از سوی رژیم، توده ها را به واکنش های انفجاری و حادثه آوار داشته است. (فقط در شرایط خاصی که عوامل متعددی از قبیل رفعم و ... در مقابل انقلاب بکار گرفته شده، تا هدافت و رکودهای در جنبش ها بوده است)

آنچه که امروز در میهن ما میگذرد و برخی آنرا "تسلط رژیم سراسری" مینامند تکرار تجارب کهنه شده است که بارها و بارها تاریخ آنرا تجربه کرده است و سرانجام آن چیزی جز سواشی و شکست برای دیکتاتورها نبوده است.

رفقا! بسیاری از نیروها قادر نیستند روند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی را بر اساس اسلوب علمی (- دیالکتیک) ارزیابی کنند و تنها ظاهر پدیده ها را می بینند، آنها نه سنگینی بار مسئولیت نیروهای پیشرو را در این مقطع درک میکنند و نه میتوانند در مقابل آنچه که اکنون در عرصه سیاسی و در اعماق جامعه میگذرد، مسئولیتی آگاهانه بدوش بگیرند. از همین رو امر ترویج و تبلیغ نقطه نظرات سازمان (از روند تحولات جاری و آتی جنبش) و همچنین آمادگی برای انجام وظایفی که بطور عملی (بسیاری نبرد فردا) اینک پیش رویمان قرار دارد، مسئولیت بس سنگینی را بدوش ما میگذارد. همه میدانیم که بر زمینیه بحران های عمیق و حادثه آفریننده انقلاب در آینده ای نه چندان دور، دوباره اوج میگیرد، ما وظیفیم که هم پیک انقلاب باشیم و هم با تلاش بیگرویی وقفه در راه تدارک عملی برای نبرد قطعی، (بیش از پیش) بکارگران و زحمتکشان پیشرو (سرباز کارزار) رفقا! فقر و فاقه، تا لاکریمها و اعمال جنایتکارانه رژیم که اکثریت عظیم توده های میهنمان را به انزوا و تنفوری عمیق از حکومت کشانده است، همواره کارخانجات، سربازخانه ها، مدارس، - دواپردولتی و مجامع گوناگون (زنان و...)

راه "منابع انقلاب" بدل کرده است. در هر کجا که هسته ها کوشش بیکر در راه تبلیغ و ترویج مواضع و دیدگاههای سازمان و تلاش در جهت شکل گیری های آگاه و روز مندی، هر کارخانه، هر مدرسه، هر سربازخانه و مو، سهای راه سنگین مبارزه علیه جنایات رژیم بدل کنیم. برای تحقق چنین هدفی:

- * بیشترین و نزدیکترین ارتباطات را با کارگران و زحمتکشان آگاه برقرار کرده و آنان را متناسب با وضعیتی که (از لحاظ ذهنی) دارند برای انقلاب - آماده کنید. مبارزات آنها را در اشکال متعددی تقضای و سیاسی سازمان دهید. به آنان بگویند که "نبرد قطعی" فرامیرسد و اینبار کارگران و زحمتکشان با پیروزی و این امکان نیست مگر به حقوق خود آگاه باشند و برای احراز آن اسلحه بدست گیرند.
- * با رفقا و دوستان که به روز مندی و صداقت انقلابی شان ایمان دارند، هسته های مقاومت محلی (جوخه های رزمی) برپا کنید و با جمع آوری اطلاعات و تفهیم از مراکز رهبری یا نهادهای سپاه خانه های امن و مراکز سرکوب و ستم - محل اختفای مزدوران چماق دار و حزب اللهی - محفل تردد عناصر صنفی و همچون شکنجه گران - سرسپردگان بنام و کلیه ارگانهای ضد انقلابی رژیم برپا به شناختی درست از میزان جنایتکارانه و سرسپردگیشان و با رعایت اکیده مسائلی که در مقاله - جوخه های رزمی بدان اشاره شده است، آن انسان را به سزای اعمال سنگینشان برسانید.
- (چنینا نتیجه خود سازمان قادر به انجام برخی عملیات نظامی نیستید، شناسائی های خود را در اختیار سازمان و یا سایر نیروهای انقلابی قرار دهید.)
- * مراکز نگهداری و حمل و نقل اسلحه و مهمات و پول دشمن را شناسائی کنید تا در فرصت مناسب توسط خود شما و یا سایر انقلابیون ممانده گردد.
- * بهر شکل که میتوانید آمار سازمان را تکمیل و در اختیار کارگران و زحمتکشان و همکاران خود قرار دهید.
- * با رعایت مسائل امنیتی و با هویشاری لازم، در بحث های خیابانی، در محل کار خود یا افراد غیر سرسپرده و مزدور مردم زحمتکش گفتگو کنید و آنان را از مسائل باخبر کنید و برایشان توضیح دهید که در میان "بلاشیا" چه میگذرد. گروه ها و سازمانهای مختلف چه میگویند و این جنگ و دعواها بر سر چیست و بر انجام - پیروزی از آن چه کسانی خواهند بود.
- * با گرابشی که خوش باوری و امیدیه پیروزی زودرس و آنان را (به اشکال

مختلف) در میان توده ها اشتهای میدهد، مبارزه کنید و با تکیه بر این واقعیت که: قدرت واقعی و عنصر تعیین کننده در انقلاب ما، کارگران و زحمتکشانند، حضور آگاهانه و فعال توده ها را در عرصه بیکار عملی سازمان دهید و بنویسید که اینها سبکها و سازشکاریها را بین بالاشیا سد کنیم. * اینک که رژیم جنگ داخلی را اعلام کرده است و همه روزه چندین خانه و محل زندگی نیروهای انقلابی مسلحانه - یورش میبرد و آنان را دسته دسته به جوخه های اعدام میسپارد، مسئله دفاع از خود، برای نیروهای انقلابی حرفه ای به امری حیاتی تبدیل گشته است. هر چند از بیست در دریای بیکران توده های کارگران و زحمتکشان بهترین سلاح دفاعی انقلابیون میباشد، ولی در شرایطی که بهر دلیل امکان پذیر نیست که از پوششهای توده ای با "ملا" مطمئن استفاده شود، - تبلیغ و دفاع از خود مسلحانه به وظیفه و امری حیاتی بدل میشود. (البته سلاح حتما باید در موارد ضروری - با برنا لبه و در صورت آشنائی لازم با طرز کار آن، مورد استفاده قرار گیرد) مثلا "رفقای مخفی که اخیرا متواری شده اند (بویژه اگر جمعی زندگی میکنند) باید خود را به انواع سلاح های ممکن مجهز سازند.
- * بنظر افزایش اطلاعات نظامی و آشنائی با شیوه های گوناگون جنگ تجارب جنگها و عملیات نظامی جنبشهای جهان، بویژه تجربیات انقلابیها و بیروتی و دروای آن تجارب رفقای ویتنام (که رفیق جیب بهتر و بیشتر از دیگران آنرا جمع بندی و تشریح کرده است) را - مطالعه کنید و با درکی خلق، تجارب آنان را مورد استفاده قرار دهید.
- * با استفاده از تجارب تکنیکی (که امروزه وجود دارد) ساختن و تهیه ادوات جنگی بپردازید و همواره در حال حاضر از آن ها استفاده نمی کنید، آنها را انبار کنید.
- * برای آنکه در کار مبارزه ضایعات هر چه کمتر و نرزی ها هر چه بیشتر بکار گرفته شود برای خودتان برنامه ریزی سیستماتیک داشته باشید (بطوریکه متناسب با "برنامه کنترل شود و ملزم به اجرای آن باشید) قطعا "جنبش برنا مه ای زمانی میتواند نتیجه مورد نظر را داشته باشد که عمیقا " به ضرورت " دیسیپلین انقلابی " پی برده باشیم.
- * رفقا! برپا به این واقعیت که: "بیشتر هنگ قادر نیست بدون اینک خود مشعل سوزان و مظهر فردا کار و پایداری باشد، توده ها را در راه انقلاب سنج کند"، از سن انقلابی سازمان بر افتخار مان پاسداری کنیم و همچنان در پیتا پیش توده ها بپردازیم مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم باشیم.

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه دخیلش

پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک (۷)

وظایف پرولتاریا در قبال متحدان خود

"کسی که در عمل فرا موش کندکد...
 کمونیستها از هرگونه نهضت انقلابی، پشتیبانی نمیکنند و از اینرو موظفیم بدون اینکه دقیقه‌ای ساید سوسیالیستی خود را بپنهان داریم وظایف عمومی دمکراتیک را در برابر تمام مردم بیان و اجرا کنیم، آنکس سوسیال دمکرات نیست، کسی که در عمل فرا موش کندکد و وظیفه‌اش اینست که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسائل عمومی دمکراتیک در پیش هم با شما نکند سوسیال دمکرات نیست" (لنین چه باید کرد؟ - تاکید زما ست) - بهای پورتیویستها و سوسیال رفرمیستها توصیه میکنیم این سخن را لنین را دوباره و مدام بخوانند. کمونیستها موظفند از تمامی حرکات انقلابی توده‌ها پشتیبانی کنند و نه تنها با بدین پشتیبانی، به شکل فعال صورت گیرد بلکه کمونیستها موظفند "در طرح و تشدید هرگونه مسائل عمومی دمکراتیک بیفکندم باشند، باید هدفشان را در جهت مبارزه - زمینهای زمینداران بزرگ بسیج کرد. باید در کنار رویشنا پیش خلقها در جهت تأمین حقوق دمکراتیکشان مبارزه نمود، باید مسلمین را در جهت احقاق حقوق خود مبارزه با سائور و تقویت عقاید و خفقان بسیج کرد، با بدتوده‌های وسیع، خانواده‌های زندانیان سیاسی را در جهت آزادی زندانیان سیاسی به حرکت درآورد، باید زندان را برای مبارزه در راه حقوق اجتماعی برابر با مردان - آزمان داد، باید پدرمیان زرات دانشش آموزان فعالانه شرکت کرد و آنها را در جهت رسیدن به خواسته‌های دمکراتیکشان رهبری نمود، باید سازماندهی زندانیان سیاسی را بمهده گرفت... فقط بدینوسیله است که در عمل میتوان به تمامی اقشار و طبقات خلق ثابت نمود که پرولتاریا پیگیرترین متحد و حامی آنان در هرگونه مبارزه - انقلابی است و فقط بدینوسیله است که میتوان پرولتاریا را به این درک سیاسی رسانید که رژیم حاکم که بر او شدیدترین ستم سیاسی را وارد می کند بر سایر اقشار و طبقات خلق نیز ستم میراند و آننگاه پس از درک و با اقل احساس این مساله است که پرولتاریا در عمل به حمایت از مبارزان دمکراتیک سایر اقشار و طبقات خلق بسز

میخیزد و در عمل به لزوم اتحاد همه استکباری با سایر اقشار و طبقات خلق در مقابل رژیم حاکم میباید. باید دخول این مساله به درستی به تبلیغ و ترویج پرداخت. باید به زبان کارگر توضیح داد که تنها با طرز زن بودن سران و اردمی کردد زسوی - رژیم حاکم بر زنان، اقشار و طبقات دیگر خلق نیز وارد می شود. هرگاه به اشتراک از جناحی دولت‌های ایران و عراق فشار گزای تورم بر کارگران افزایش مییابد باید به آنان توضیح داد که این فشار ناشی از سیاستهای ضد خلقی دولت است بردوش تمامی اقشار و طبقات خلق افزون گشته است، آننگاه که کارگران مورد سرکوب و - کسای رفرا میگیرند، دستگیر و اخراج میشوند باید این مساله را به درستی تبلیغ کرد که این شیوه‌های سرکوبگرانه از سوی دولت و رژیم حاکم در مورد تمامی اقشار و طبقات خلق به اجرا در می آید... این عمل در ترویج، در نشریات و ترویجی و دسته‌های کارگری نیز بسیار بدفرا موش شود. باید ضمن اشکات دشمنی رژیم آلمان کارگران و اعمال ستمی بر آنان عداوت حکومت را نسبت به اقشار و طبقات مختلف خلق و همبستگی کارگران با این گروهها، اقشار و طبقات در مسائل مختلف و وظایف مختلف را تیسرا آموزش داد.

احبات نمکند، اس پشتیبانی از متفق است بر ضد دشمنی (لنین) و با دست سوسیال دمکراتهای روسی، اس مساله شدن مسمی است که کمونیستها همواره - مساله مومنی بودن اتحاد در مبارزات سیاسی و دمکراتیک را کورسدمکند، کمونیستها از جریده مالکس روسا و دهقانان مساله، در مقابل سرکوب خاکش و در جهت احقاقی حواسپاشی خون نامس، حاد آب، کود، سدر و غیره ستمی میبکند و در عمل در کنار آنان و سانس آنان به مبارزه بسز - مخبرند، اما همواره مومنی بودن اسن پشتیبانی را نکر می دهند. همواره به سز پرولتاریا و همچنین دهقانان با ادوری میکنند که در مورسینک خرده مالکن بر اثر خصلت "پرستن مالکیت خصوصی خود در مقابل پرولتاریای روستا قرار گیرند این اتحاد بدل به مفا بله خواهد شد. کمونیستها همواره در مقابل سرکوب و فشار رژیم بر خرده بورژوازی دمکرات در عین برخاستن به پشتیبانی از آنان در عمل دست اتحاد بسوی نمایندگان آنان دراز میکنند اما همواره یادآوری - میکنند در صورتیکه همین نیرو در اختیار سرکوب و خفقان به امان لیسرا لیا بنده شده و با در پشت سر آنان قرار گیرند به افشای این سیاست و حرکت آنان خواهد پرداخت که کمونیستها همواره در عین اینکه بر همبستگی و اتحاد تمامی نیروهای مترقی و تمام اقشار و طبقات خلق بر ضد رژیم و بر ضد حاکمیت سرمایه داری و وابسته تا کید می ورزند همیشه نیز "کارگران را متمم بیز خود نموده، همواره جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهد داد" (هما نجا)

علت این تمایز، علت این تریسم قاطع و دالشی خط و مرز با بین پرولتاریا و سایر نیروها اینست که فقط پرولتاریاست که مبارزه را تا با خردا می خواهد داد، فقط پرولتاریاست که (در این دوران) قادر به شمر رسانیدن انقلاب اجتماعی است، فقط در طبقه کارگران است که دمکراتیسم میتواند طرفدارانی بی قید و شرط و بدون تزلزل، طرفدارانیکه هیچگاه به عقب نمی نگرند پیدا کند" (لنین همانجا) و درست بهمین علت است که "فقط پرولتاریاست که میتواند در راه آزادی سیاسی و تاسیسات دمکراتیک مبارزی پیشقدم باشد، پرولتاریا طبقه ای است تا به آخر انقلابی و این نکته اصلی است که همواره و همیشه در هر عمل و در هر اشکاد باید بدینرا تا کیدی ویژه داشت. زیرا بقول لنین "تنها کارگران میتوانند در راه آزادی سوسیال جمهوری دمکراتیک بجنگند. و تا پای مرگ نیز برای آن خواهند جنگید" (مبارزه پرولتاریا و نوکرمنشی بورژوازی - لنین - تاکید از ما ست).

ادامه دارد

گزارشی از شکنجه و حبسنامه در خمیان

رژیم جمهوری اسلامی

در تاریخ ۱۰ شهریورجنازه یک مبارز بی نام یوسف یوسفی تحویل خانوادهاش شد وضعیت جنازه به وضوح نشان میداد که در اثر شکنجه شهید شده است اما به خانواده او گفته شده که او اعدام گردیده است. آثار شکنجه عیاارت بود از: درنا حیه پشت سر روی سمت راست حدود ۱/۵ سانتیمتر جای سرنیزه وجود داشت. زبرینلهای او آثار سوختگی ناشی از مفرقلزی "الساگر خمینی رهبر" حک شده بود. دستهای این

مبارز شکسته شده بود و استخوانهای فکش متلاشی بود و بصورت ورم کرده آویزان بود جای شلاق روی بدنش به وضوح نمایان بوده و بیضه‌هایش بشدت ورم کرده و کبود بود اما در خمیان پس از اینکه او را بسیر شکنجه شهید کرده بودند تیرکلیت به او شلیک کرده بودند که از جای تیسرا ملاخون خارج نشده بود و نشان میداد که وی پس از مرگ موردا مایت گلوله فرا رگرفته است تا بیظها را عدا منده قلعها دگردد. جرم او داشتن سه عدا اعلامیه مربوط

به سازمان وحدت کمونیستی بود. یوسف دانشجو اشدکا شیراز و هنگام عزیمت از تهران به شهرها درامفهان دستگیر شده و به سیاه با ساران منتقل شده بود و توسط با ساران جنایت و دژ خمیان خون - خوا رجنین شکنجه گردیده بود. در تاریخ یکشنبه ۶۰/۵/۲۵ حدود - ساعت ۱۰ صبح در بزرگی قانونی حدود ۶۰ جنازه از انقلابیون اعدام شده تحویل شده بود که اکثر "مجا هودوندکف اطاق برار خون بود و این امر بدلیل تازه بودن مرگ مبارزین بود در میان اجساد ۲ نفر زن بودند که یکی از آنها بنظر ۱۵ - ۱۷ - ساله می رسید. آثار شکنجه در روی پاهای متورم و کبود آنان به وضوح مشهود بود و نقاط

بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

ایبر

پورش و حبشانه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی به مبارزان و انقلابیون درهسر کوی و بیزون دیده می شود و بی نیست که بلندگوهای رژیم از دستگیری و اعدام مبارزان سخن بگویند.

یکی از دستگیریهایی که در تاریخ ۶۰/۵/۲۶ در باغک از این شهر اتفاق افتاد در جریان دستگیری از این قرار بود که از چندی پیش برودنیوار با دگان، شمارهای سازمانهای انقلابی نوشته میخواندند و اینجمن اسلامی با دگان علیتر غم تلاش بسیار نتوانسته بود پرسنل انقلابی را شناسایی کند. در این رابطه آغوندی بنام بیات که رئیس انجمن اسلامی با دگان است یک روز صبح صبحگاهی اعلام کرد که اگر سر با زانی از فعالیت مبارزان انقلابی با خبری باشند و آنها را بکشند خود آنها نیز شایسته شوند تحویل دادگاه نظامی خواهند شد. بعد از گذشت چند روز، سه نفر دستگیر شدند که دو نفر از آنها هوادار سازمان مجاهدین و یک نفر هوادار سازمان ما اعلام شد. سپس از پرونده سازی از سوی انجمن اسلامی و تحویل آنها به سپاه پاسداران زنجان و اعلام اینکه از آنها ما بزرگ و نشریه گرفته اند، تحویل دادگاه نظامی قزوین شدند و یک نفر از آنها به ۹ ماه و ۲ ماهه بیکسال زندان پس از ختم خدمت محکوم گردیدند. پس از تحقیقات در این مورد مشخص شد که دو مزدور اکثریتی آنها را امداد اند و این اولین بار نیست که این جاکسونان سرمایه داری دست به چنین جنایتی میزنند و در قبال این جنایتها با سخ دندان شکنی نیز از جانب خلق دریافت خواهند کرد.

«گزارشی از زندان اوین»

روز چهارشنبه ۱۱ شهریور با مبارزان و بقول یکی از زندان فاشیستی مثل سگ ها رنده بودند به هیچکس اجازه ورودی به خیابان اوین را نمیدادند و با رکیک ترین تمسها فریاد میزدند که بروید و بچه ها بپان را در پشت زهرای ببینید، بروید کفن بخرید و با فریاد شیدا شیدا بچه ها بپان را بفرستیم و با فریاد و فحش ما دران را متفرق کردند روز ۱۲ شهریور ساعت ۵ صبح با نواده های زندان بپان جمع می شدند حدود ساعت ۵ صبح با صدای فریاد زدند که بپان تعطیل است بروید و دیگر نیاید ما مردم بطرف خیابان زندان بطور دسته جمعی حرکت کردند که به یک راهیما شی آرا مشا هست داشت زنی گفت شوهر ما برود داخل زندان که بچه مسان را ببیند و من منتظرش هستم حدود نیم ساعت بعد یک مرد من لاغر اندام لنگ لنگی در حالیکه یک دستش به پهلویش بود از دور پیدا شد معلوم شد که او را برده اند داخل زندان و حسابی کتک زده اند و گفته اند تا توبائی دنبال فرزندت نیائی. مادری که فرزندش را سه روز پیش اعدام کرده بودند او را جمع شد و شریف کرده پس از کشتن فرزندش به او گفته اند که حق نداری برای او مجلس غم

پنک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بورژوازی

- فدائی شهید یعقوب تقدیری (امیر) ۱۳۵۸
- فدائی شهید امیرج سپهری ۱۳۵۲
- فدائی شهید علی میرشکاری ۱۳۵۸
- فدائی شهید هاشم بابا علی رحیمی ۱۳۵۲
- اعظم السادات روحی ۱۳۵۵
- فدائی شهید پروین فاطمی ۱۳۵۲
- حسن صادقی ۱۳۵۵
- طهمورت اکبری ۱۳۵۸
- جمیل بخجالی ۱۳۵۸
- شهریار روا حسن ناهید ۱۳۵۸
- پرویز داری ۱۳۵۵
- علامه حسین بیگی ۱۳۵۶
- عباس کا پلی ۱۳۵۲

فدائیان خلق بهمراه سایر رزمندگان، چه در سالهای سیاه دیکتا توی و چه پس از قیام خونین بهمن ماه، همواره در سنگر کارگران و زحمتکشان، به مبارزه ای تا پای جان برخاستند و نهال انقلاب ایران را شکوفا ساختند و همچنان به مبارزه خودتارهای ایران از بنسند سلطه امپریالیسم ادامه خواهند داد.

شهریور سال همچون سایر روزها و ماههای تاریخ خونین ایران، مضمون از جنایات و فداکاریهای این فرزندان راستین خلق است. یاد همه شهیدای خلق را گرامی بداریم و بیست و پنجمین سالگرد کشتن آرمان کارگران و زحمتکشان از بسای نشینیم.

شهیدی از قالم شهر



جلادان رژیم جمهوری اسلامی، همچنان به کشتن روحشانه جوانان انقلابی و مبارزین همچنان ادامه می دهند. اعدامهای گروهی و بدون محاکمه هر روز رژیم، خشم و نفرت عمیق عمومی را برانگیخته است. هر روز در اکثر شهرهای ایران، دهها مبارز انقلابی با گلوله های آمریکائی رژیم بمبارک درمی غلطند و هر قطره خونشان مشعل میشود و فرار از خلق بیدار رویا غایب است. روز بیست و پنجم مردان ما گذشتند رفیق زهرا فرما نبردار، هوا دار مدیق و قعال سازمان همراه با شش رزمنده دیگر - از سازمان مجاهدین خلق در مقابل جوخه آتش قرار گرفت.

رفیق زهرا فرما نبردار در سال ۱۳۲۹ در روستای قالدیکلا زواج قلمشهر متولد شد و با طرز عموالی خانوادگی با رنج و زحمت و فقر در زحمتکشان از کودکی آشنا شد. رفیق زهرا در شیرما هتوس

با مبارزان سرمایه و جناحیت دستگیر شد. در غیابان سرمایه رگوشه دزد زیر شکنجه رفیق را به حرف زدن وادارنا پند ما نتوانست و سرانجام او را به جوخه اعدام سپردند. یادش گرامی باد

که از پشت به آنها حمله شود. آنها دو پسر ۱۵ ساله که همراه ما دران بودید کتک زدند و در حالیکه فحشهای رکیک میدادند کیفهای زنان را با زورسی کردند سپس از ما دران خواستند که دو نفر، دو نفر سوار اتوبوس شوند و همه سوار یک اتوبوس نشوند که مادران بدون توجه به این حرف مشرق شد. خانواددهای زندان بپان که هر روز در بروردند از غیابان رژیم پیش از پیش به ماهیت فاشیستی این مزدوران بی مهارت اینک در تجربه روز مره در میاید که تنها با اتعا دویکیا چکی خود خواهند توانست مزدوران را وادار به تسلیم نمایند. و بهیر نیست که خلق رزمنده ایران با ردیگریا مبارزهای متحد و متشکل زندانها را بگشاید و فرزندان انقلابش را در آغوش کند.

بگیری اما من مجلس غم گرفتیم و تمام اهل محل شرکت کردند و حتی سفاکهای محل تعطیل شد. حرفهای این مادر کسه تو ما نشان دادن عکس فرزند قهرمانش بود تا شهربسیا رنجش بر روی ما پسر که دران داشت. سپس ما دران تصمیم گرفتند بمانوان اعتراض به عدم ملاقات از زندان در مسیر پارک وی تا میدان انقلاب بپا ده حرکت کنند حدود ۲ کیلومتر راه رفته بودند و دوبار شعار زندانی سیاسی آزاد بپا گردید. داد بودند و یک نفر هم شعار مرگ بر خمینی دادند که گمان ما شین لا درور - با مبارزان سرسید و آنا شرا معا سره کسید و خانواددها را در کنار ردها ردیف کردند و ما برین راه که از پارک وی میگذاشتند از صحنه دور میکردند و ضمناً "شدت میترسیدند

قور، شکنجه زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان



درمدارس چه باید کرد؟

مبارزه و تداوم مبارزه در تمام تشکلهای صنفی و علمی نیست بلکه تا کبدها بر این است که شبکه ملی نیروهای مترقی دانش آموزی با بدبختی کاملاً مخفی سازماندهی شود. ارتباطات آن دقیقاً از نظر ارتباطی با شدت و تنوع ندرهبری حرکات مبارزاتی و تشکل دانش آموزان را ایفا نماید.

با بدوسیتمترین نیروهای ممکن را - حول شعارها و مبارزات دمکراتیک گسترده آورد. با بدتعمای و جوهرسیاستهای ختلافی رژیم را - چه درجا معوجه در مدرسه بتوان جزئی از آن - به وسیلهترین شکل افشاگرده و بخصوص با بددراپین کاربیکبر و کوشا بود با بدحقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را که حق شماست دانش آموزان را از دست آوردهای مبارزات خونین خلق است همواره با آوری نمود، با بد نظریه طرح ملموس ترین خواستههای توده های دانش آموز - چون مفا بله با محتویات تاریخی کتب درسی، مفا بله با سیاستهای اختتافی در سطح مدرسه، لزوم وجود کتبا بغا نند... آنرا را بر ضد رژیم و عوامالش درمدارس - بسج نمود. با بدتعمای و دست آموز رژیم را درمدارس را به وسیلهترین شکل افشا کرد و عتاً مرا نمجن اسلامی و مسور شریعتی را کاملاً افشا نگشت نما نمود. با بد افشادریکوشیمت آیین عتاً هر درین وسیع - ترین توده های دانش آموزان طرفدومنفرد شوند. نه تنها کسی با آنان حرف نزد بلکه دانش آموزان به مفا بله با حضور آنان در مدرسه و کلاس بپردازد و زندوبیا شیوه های چون هو کردن و با هر روش دیگر آنان را مشزوی نما بند. درمدارس حتی زمین نما زما ندهی دانش آموزان جهت تشبیه جا سوسان و غیر چینان وجود دارد و با بددراپین جهت کوشید. باید دقت کرد که بسج وسیعترین توده های دانش آموزی تنها با تبلیغ وسیع و تنها در اشکالی چون مشزوی کردن انجمنهای اسلامی و مور تربیتی ها ممکن نیست بلکه با بددرا اشکال متفاوت و مختلفی از حرکات جمعی نمود. با بدبختی از مهمترین تجاربی که با بدتوسط دانش آموزان جمع بندی کرده و در شکل تکامل یافته خود مورد استفاده قرار گیرد ورزش صیگها هی است. ورزش - صیگها هی عرصه ای است که از سویی میتوان وسیعترین توده های دانش آموزی را به آن جذب نمود. آنان را تشکل بشخید و بحرکت در آورد و از سویی دیگر به عریان ترین شکل ما هیبت و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را به نمایش نهاد (زیرا رژیم سعی میکند تا این ابتدائی ترین شکل تشکل و حرکت دانش آموزی را نیز سرکوب نماید) در این سال گذشته تشکلاتی تشکل گردیدند. با بداز انحصاری شدن ورزش صیگها هی به گروه یا گروهی خاص کاملاً اجتناب کرد. با بدشعارها بصورتی انتخاب نمود که وسیعترین دانش آموزان شرکت نمایند. مثلاً شعار مرگ بر آمریکا، شعار درود بر آذین... قدا دراست تمام دانش آموزانی را که کمترین گرایش دمکراتیک را در ما میباشند جذب نماید. شعارها بی چون درود بر فدائی، درود بر سر مجاهد، تنها رها بی... قدا دراست حرکت را بی زوله نما بدبختی جدا از وسیع ترین توده های دانش آموزی موزیدل کند. در همین رابطه مفا بله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، میتوان اشکال متفاوتی بخود کرد. مشزوی نمودن ورزشی که از سوی امورتربیتی نهاد میشود در شرایطی بیشترین بردار را است اما درمدارسه دیگر و در شرایط دیگر ممکن است بتوان

و تمام اشکالی خود را بر سر نیزه نهاده - است. درمدارس نیز شیوه های عریان تری از سرکوب را چه در حد جاسوسی و خبرچینی علمی و چه در حد دستگیری و ترور در پیش خواهد گرفت. در چنین شرایطی است که دانش آموزان میبایست سنجیده با بدکرد؟ الف: در ابتدا با بدشوک تیز حرکات را بر اجرا نمود. دستگیریها و تصفیه ها قرار داد. با بدتوجه داشت که رژیم سعی دارد حتی - الامکان مدارس را بدین نیروهای مترقی بگشا بدود را در مدارس زهرگوشی کوتاه می نخواهد کرد. در چنین شرایطی هر چند سزا زما ندهی مبارزه تشکل بنظر آید با بد تشکلهای اولیه ای در بین تصفیه شدگان و اجرا جیها ایجاد نمود. با بداهداف رژیم را از پاکسازی و "تصفیه" ها به وسیلهترین شکلی تبلیغ کرد و با بدبده دانش آموزان - نشان داد که تن دادن به چنین مسال تحصیلی ای بجز بدبیش تحصیل در کورستانی "آرام" معنای ندارد. با بدبهر طریق ممکن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را - هر چند در لای مسائل درسی، تعهد نامه و... افشا نمود و سالا خراج شدگان، دستگیر شدگان و تصفیه شدگان را به مسالسه تمام دانش آموزان بدل کرد. با بددر - مقابل این سیاستها، حرکات جمعی را سازمان داد. در این رابطه چند نکته را باید در نظر داشت. از سویی شیوه ها و روش های ایجاد حرکات جمعی در رابطه با وضعیت خاص هر محیط و هر مدرسه انتخاب میگردد. اما کاملاً حرکات موضوعی و کوتاه مدت با در نظر داشتن بردار فشاگرانه مورد استفاده قرار میگیرد. از سویی دیگر در رابطه با حرکات جمعی با بدحقی الامکان از نیرو - های خا نواده های یاری جست این عمل ضرورتی تام دارد. تا شیری بسیار بر میزان وسعت و برد حرکات مینهد، به مبارزه ابتدائی توده های میبخشد. رژیم را از نظر عمسال فشا روشیوه های علمی و مشن سرکوب تعمت فشا ریشتری قرار میدهد و...

بهر رو با بدبیشترین سنی و تلاش رادر جهت جذب بیشترین نیروی دانش آموزی قرار داد. با بددر رابطه با مسئله خراجها، دستگیریها و... نه فقط دانش آموزان - اجرا جی و دستگیر شده و خا نواده های ایشان، بلکه توده های وسیع دانش آموزان را به حرکت در آورد. در این رابطه تبلیغ حول سیاستهای رژیم نقش اساسی را داراست. ب: درمدارس چه سیاستهای را به پیش بریم؟

است که با بداهداف کربهای سیاسی را روشن "سازمان" داد. با بدبیش از پیش افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم و با زتاب های آثر درمدارس، به راه راه حل مبارزاتی آن تشویق و ترغیب توده های دانش آموز به تشکل و مبارزه بپردازد. در این راه - با بدبختی کافی و فراوانی به کار رفتی و ایجاد تشکلهای مخفی در بین پیشروترین افشاد دانش آموزان داد. مسلماً "این به معنای عدم استفاده از شیوه های علمی

اینک در استان - سال تحصیلی جدیدی قرار داریم. با بدیکرمدارس این مبارکیز پرورش و غرورش در تمام نقاط شهرها و وروستاها گشوده میگردد. جمعی مجدد و مسلماً "در پی آن تشکلهای بنیون، آگاهی رزمندگی و تشدید مبارزه طبقاتی، چیزی که رژیم را زان هراس مرگ دارد.

رژیم که در سال گذشته درمدارس ضربات بسیاری را تحمل کرد و سیاستهای اختتافی و سرکوبگرانه اش بیش از هر جا با شکست مواجه شد. رژیم که بخوبی به نقش برجسته دانش آموزان انقلابی در ارتقاء آگاهی مبارزه توده ها واقف است اینک با بسجی کامل به پیشواز سال جدید تحصیلی می رود. رژیم که امسال را سال حاکمیت حزب الله درمدارس نامیده است سعی دارد با توسل به سیاستهای سرکوبگرانه مدارس را به کورستانی خاموش بدل سازد و دانش آموزان را از هرگونه مسالسه سیاسی - چه رسد به مبارزه سیاسی - دور نگهدارد. هر چند که شیوه های سرکوب و سیاستهای اختتافی رژیم مستقیماً با سطح مبارزه طبقاتی و اشکال سرکوب رژیم در کل رابطه است اما از هم اکنون بسیاری از آنها را میتوان بزوشنی بررسی کرد.

یکی از عمده ترین شیوه های رژیم جهت فاش کردن مبارزات دانش آموزان سنی در مبارزاتی مدارس بدون دانش آموزان مترقی و مبارز است چون تنها در این صورت است که شا بدامسال حزب الله قادر باشد درمدارس حاکمیت کند. به همین علت نیز شیوه های متفاوتی جهت تصفیه دانش آموزان مبارزین را رگرفته شد و خواهد تشکل در سطح جدا قل آن عدم نیست نام - خواستن مترقی نام اما از مسالسه کمیته محل ندادن مشزوی تضاد کافی جهت فاشی و... و در سطح جدا کثر خود بصورت دستگیری (وا حیاتا "عدم) خواهد بود.

از سویی دیگر سیاست تشدید اختتاق و جلوگیری از هرگونه مبارزات صنفی و سیاسی و با بعال تمام آزادیهای سیاسی درمدارس و چه دیگر سیاست رژیم برای این سال تحصیلی است. این عمل مسلماً در عین اشکال به صورتی دولت لایحه و بخشنامه و تعهد نامه و... تا نکه به مر میبان امورتربیتی و انجمنهای اسلامی مدارس پیش برده خواهد شد. که ارکان اصلی آن در عین گذاردن جاسوسهای انجمن اسلامی و تشکل بر خراج چوتوبیخ، تعطیل تمام معانی فعلی آنها ی فوق برتا مه (بجز فعلی آنها انجمن اسلامی) و جلوگیری از ایجاد هرگونه تشکل دانش آموزی از جمله شوراهای خواهد بود. در عین حال رژیم برای مفا بله با بقایای مصلحین غیر مکتبی و از جمله مبارزان، نیز لایحه های کمازی را در دست دارد و در این رابطه مسلماً موجدگیری و خراج و تصفیه را درمدارس بر آه خواهد نهاد. اختتافی که مسلم است اینست که رژیم اینک سرکوب و کشتار عریان را پیشه کرده

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



درمدارس

چه باید کرد؟

همان ورزش را در دست خود قبضه کرد. ممکن است در مقابل جلوه گیری از نجا موزش - صبحگاهی آنرا به جلوی مدرسه یا به صبحگاه اطراف آن بدل نمود (این مسئله در شرایط فعلی در رابطه با دختران قابل انجام نیست) و بدین طریق وسیعترین ایجاد افشاگرانه را به آن داد. ... بهر رو هر چند قبلاً نیز به رفقا و دانش آموزان آیین رهنمود داده شده بود اما بانک صریحاً "بسیار آنتا کنید میکنیم که با بدست ریب فعلی لیتهای سال قبل را وسیعاً مورد بررسی و جمع بندی قرار دهند تا بتوانند اشکال مبارزاتی خود را با زمان دهند.

نکته ای که باید بدان تاکید مجدد نمود اینست که رهبری مبارزات و سازمان - دهی دانش آموزان انقلابی باید بشکلی مخفی باشد اما توده های دانش آموز با بدست اشکال متفاوت شکلهای علنی و وسیع علنی سازمان داده شوند. تا بتوانیم همواره بهترین وسیله را داشته باشیم. ایجاد دشمنی نیمه علنی جهت بدست نشدنی است انقلابی در هر مدرسه خود تشکلی جهت بسیج توده های دانش آموزان مصوب میگردد.

ج: مبارزات دانش آموزی را از چهار جهت مورد بررسی به خارج بکشیم.

در شرایط فعلی که جوجا معضای است با بدستی نمود بیرون هر چه وسیعتر - بین مبارزات دانش آموزان و توده ها ایجاد نمود. در این جهت باید روندی - دوگانه را به پیش برد از سوی ما بدست آمده ها را وسیعاً و بشکلی ملموس بسازیم. مبارزات دانش آموزان گروه زد. با بدست مسائل کارگران و زحمتکش و دهقانان را و وسیعاً در مدرسه تبلیغ نمود. با بدست به دانش آموزان "عقل" نشان داد در زمانی که آنان را سرکوب میکنند همان رژیم است که کارگران و زحمتکش، پدران و مادران آنها و توده های خلق را نیز سرکوب میکند و از این طریق لزوم همبستگی مبارزاتی خلق را به میان آنان برد. از سوی دیگر با بدست اشکال و مشکلات دانش آموزان و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در مدارس را به میان توده ها برد. در این مورد تبلیغ این مسائل در خارج از مدرسه، در محلات اطراف مدرسه در میان خانواده ها و در محلات بسیار مورد ضروری است.

از جنبه عملی نیز اولین گام ایجاد زمینه های لازم جهت شرکت هر چه وسیعتر خانواده ها در مبارزات دانش آموزان است با بدست زدن دانش آموزان و خانواده ها ایشان ترکیبی بکنیم در مقابل حاکمیت ایجاد نمود.

د: نقش ما در خارج از مدرسه: در شرایط متحول کنونی، نمیتوان نسبتاً بدو وظایف و مبارزات یک دانش آموز را به مدرسه و به تنگن و سازماندهی دانش آموزان محدود نمود. هر دانش آموز انقلابی بعنوان عنصری از گاو پیرو و باید در جامعه نقش خود را - وسیعاً در سازماندهی مبارزات توده ها و ارتقاء آگاهی آنان برعهده گیرد. در این رابطه در همین حال که وظایفی را که در جامعه باید کرد - در مرحله "خواهد مدیاد توسط دانش آموزان مترقی انجام گیرد.

اکنون نیز بر پیشبرد حرکات تبلیغی تاکید میکنیم. دوستان دانش آموزان باید وسیع - ترین نیروی ممکن را جهت اشکال رنویسی و پیش اعلامیه های سازمان در محلات بسیج نمایند. با بدست در نظر گرفتن اصول استیج در گرداگرد خود دشمنی جهت توزیع دست بدست نشریه ها را باید دشمنانیم. آنگاه همی توان این شبکه را جهت سازماندهی شما نویسی (حتی در ابتدا بی ترین سطوح مثلاً در تلفن های عمومی و آتومبوسها) نوشتن و چاپ کردن دستنویس از مقالات، تراکتها و اعلامیه های سازمان (که در شرایط فعلی بسیار بر آن تاکید داریم) بکار بگیریم. از سوی دیگر بخش اعلامیه ها، تراکتها و نشریات سازمانی را در وسیعترین تیراژ ممکن شکل داد. در این رابطه نیز شیوه های مختلفی چون بخش در خانه ها، قرار دادن آنها در تلفن های عمومی و یا بخش با موتور سیکل را میتوان بکار گرفت که در باره آن بعداً شرح خواهیم داد.

ه: وظایف محوله را چگونه به پیش بریم؟ در ابتدا باید متذکر شویم که جهت برداشتن اصولی از مساله "تبلیغ" و اشکال پیشبرد آن و همچنین درک نقش ارگان سراسری و وظایف آن هر یک از رفقا بهتر است - و ضروری است - دوسری مقالات تبلیغ و نقش آن (شروع شده از شماره ۹۸) و "ارگان - سراسری" و وظایف آن (موز با بدست نجان فعلی لانه ۱۲۳) را بدقت مطالعه و بررسی نمایند. اما از نظر شیوه ها و روش پیشبرد وظایف تبلیغی و افشاگرایی بسیار باید تمرین کرد تا می رفقای دانش آموزان بتوانند تیراژ را به یکوشنده همواره محور آنان در مدرسه کاملاً مشهود نمایند. با بدست همیشه دانش آموزان ما را در کنار خود حس نمایند و این میسر نیست مگر با حضور فعال تبلیغاتی ما. در این رابطه باید دشمنان نویسی را سازمان داد. همواره با بدست از یک درجه بدست در راهروها، پشت نیمکت ها و درها، روی دیوارها با بدست از یک از یک خود بنویسیم. روی تخته سیاه قبل از زنگ میتوان بسازیم.

کمی زیرکی و سرعت عمل شما نوشت اگر اپتکار وسیع باشد قابل کنترل برای - عوامل رژیم نیست. مسلماً "زحمت پاک کردن شما ره های ما را فالتوها و مسئولین متحمل می شوند" و ما میتوانیم هر چند روز یکبار شما ره های جدید خود را بنویسیم. دقت کنید که تنها شما ره های سازمان کافیه نیست با بدست ره های ملموس دانش آموزان را - نیز نوشت. با بدست حتمی اسلامی چی ها و فالتوها و جاسوسان را افشا کرد. با بدست سیاستهای مدیران مورد تیراژ را رسوا نمود. با بدست دانش آموزان را به ورزش - صبحگاهی فراخواندند.

دستنویسهای کوچک یکی از عملی ترین و راحت ترین وسایل تبلیغ است. با کمک کبوری از یک غذایک شما ره های سخنان مورد نظر خود را بر یکا غذا بی بسا ابعا حدود چهاره ایستی متر بنویسید. حمل و نقل آن بسیار ساده است (در داخل ناپلوس نهاد در جوار یا تلوار و لباس پنهان میکنیم) این دستنویسها را می توان در بین نیمکت ها نهاد در راهروها بخش کرد از پنجره ها بیرون ریخت و یا در حیاط مدرسه پخش نمود. دستنویسهای کمی بزرگتر را میتوان بردار و محل های عبور و مرور چسباند. برای این عمل هر گاه در محیطمان نتوان بکنفره عمل نمود دورقیق بر حتمی میتوان نشاند که را به پیش برد. یک رفیق با چسب ما چ (در دستنویسهای کوچک) دیوارها و محلهای مورد نظر را چسب

میما لود و دور می شود. رفیق دیگر در فرمت مناسب (حتی تا یک یا دو دقیقه بعد چسب به زودی خشک نمی شود) تراکتها را که در لای دفتر یا لباس خود نشاند و به روی محل چسبی می چسباند.

علاوه بر تراکتها و اعلامیه ها و تراکتها سازمان بصورت دستنویس میتوانیم مبارزات را حتی شیوه های دیگر تراکتها بکار بگیریم. در این مورد کما غذایک برای تعداد کسب بسیار مناسب است. در غیر این صورت می توان چهار رجب تراکتها بکار برد و با تیراژ مناسب اعلامیه ها را چاپ کرد و این عمل با ریزگی را از دوش سازمان بر میگیرد (رفقا شی که کار با چهار رجب تراکتها بلدند با بدست "آنتا" آموزش دهند و بصورت - دست نوشته یا بشکلی بخش شما بدست تمامی رفقا بتوانند از شما بکار بگیرند)

برای بخش وسیع اعلامیه ها میتوان با رفقای مدارس دیگر نیز همکاری نمود تا هر مدرسه برای بدست دیگر اعلامیه بخش کند. این عمل در شرایط فعلی برای - رفقای بسیار میتواند بسیار مناسب باشد. در همین حال از وسایلی مانند مسمای اعلامیه بخش کن نیز میتوان سود برد. این مسمای انواع مختلف دارد که میتوان آنها را با اندکی اپتکار ساخت. شیوه کار کردن - چنین است که تعدادی اعلامیه در محلی قرار میگیرند و بر اثر سوختن یک سیگار یا خالی شدن با دیگر با دکنک یا سوختن یک نخ و ... اعلامیه ها پس از مدتی که شمع بخورد کفنداده زمل دور شده در هوا پخش میشود. با از با لای پنجره به با شین میریزد. ... هیچگاه نباید بتکارا ت ویژه و استثنائی را فرا مؤش کرد. مثلاً - مناسبت ۱۳ آبان میتوان ناگهان بلاکاره

- ی را از پنجره یا پشت با م آویخت. بسا سراسر مدرسه را با فعلی جنگجو سر و مخفیا نه شما نوشت. سرود خوانی کرد. وسیعاً اعلامیه پخش نمود. ... بهر رو - رفقای دانش آموزی بهترین امکانات جهت بکارگیری انواع شیوه های تبلیغی را میتوان بدست آورد و تنها با بدست خلافت و کوشش خود را بکار بگیرند.

در تمامی اعمالتان باید تا حد امکان - بهترین سعی را در پیشبرد آنها بعمل (که ما در مورد آن بسیار رسخن گفته ایم) با سایر نیروهای مترقی و انقلابی بکار گیریم. اینک دشمن غذا رشمیر خود را از روپشتا ست و با تمامی نیرو جهت سرکوب انقلاب حرکت نموده با بدست نیز شما می نیروی مفا انقلاب را متحد و منسجم بکار گیریم.

رفقای دانش آموزان در همین بکار رگبیری رهنمودهای فوق با بدست ترین سعی خود را در ایجاد دشمنی هر چه وسیعتر و بالا بردن هر چه بیشتر قدرت بسیج دانش آموزان بکار بگیریم. این عمل میسر نیست مگر با برنامهریزی دقیق و بیکاری انقلابی و کوششی همه جا بسه.

با بدست تنها در مدرسه بلکه در جامعه و در خانواده خود نمونه ای از یک انسان انقلابی از یک انسان کمونیت با شیم. با بدست اخلاق، خصومت، نظم بیکاری و در کما نه تنها برای تمامی اطرافمان سمشق قرار گیرد بلکه خود موجب گرایش وسیعترین اقرا دبه سوی ما گردد. تنها در این صورت است که پیشبرد وظایف انقلابیمان بسا بهترین برد موثر مواجه خواهد گشت.

رفقا بکوشید! ایمان داریم که پیروزی از آن ماست.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

ثبات متکی به قهر اوج بی ثباتی است

در هفته گذشته، نخستوزیر جدید مهدوی کنی یگمراه کا بینه اش به جماران رفت تا تشریفات ظاهری مراسم تملیف را بجای آورد. در این تشریفاتی ابتدا مهدوی کنی طی سخنانی، کا بینه اش را ادا می‌دهند راه با هنرداشت و دولت را متکی به مردم قلمداد کرد و گفت که مسئله امنیت مهمترین مسئله رژیم کنونی است و سپس خمینی سخن آغاز کرد. گرچه اساساً این برنامه ریزی یعنی حضور وزیر در جماران القاء این امر بود که دولت سریم را تشکیل دهد و کا بینه تکمیل - گردید است و حاکمیت از ثبات و قدرت کامل برخوردار است و خمینی نیز در طول سخنانش بر این ثبات موهوم تاکید داشت. اما هر بیننده و شنونده ای - میتوانست بر این مبنی دریا بدکه رژیم شدیداً "اوضاعیت تا بسا مان و متزلزل خود در هر اس است. ثباتی را که خمینی بر آن انگشت می‌گذارد و تا کبده می‌کند یعنی ثبات متکی به سر نیزه و خفقان و اعراب کنونی است که خود اوج بی ثباتی می‌باشد و از نوع ثباتی است که شاه نیز سعی داشت همواره القاء کند. سالیهای سیاه دیکتاتور را با خطر آروم و رژیم شاه هنگامیکه در کوجه و غیابان در کارخانه و مزرعه هرگونه مداخله اعتراضی را در نظف خفه می‌کرد و ساواک و نیروهای مسلحش همچون سگان ولگرد در هر کجای و برزن - مترصد دریا بی و شکار انقلابیون بودند، زندانها از فرزندان خلق آنها شسته بود و هر روز زندان جدیدی نمیشد و از چیتگروا و این جوی خون مبارزین جاری بود. شاه جلاد در سیلیفات عوام فریبانه - اش فریاد ثبات سر داده بود و ایران را جزیره آرامش می‌نامید. گرچه بدلیل شرایط رکود حاکم برجش و متحرک شد قدرت سیاسی رژیم شاه از یک ثبات نسبی برخوردار بود، اما در آن زمان مردم بخاطر درند که تنها همان سازمانها است که اینک زیر شدیدترین ضربات قرار دارند یعنی عمدتاً "فدائیان" خلق و مجاهدین خلق بمثابه نهادهای انقلابی پیشرو در صحنه مبارزه نمودار شدند و تا زه بقدرت خریدگان کنونی، اکثر "با در خارج از کشور بودند و با در این تقهات پیشه کرده بودند. در آن شرایط خفقان آریا مهری، عملیات انقلابی مبارزین نظیر اعدام فرسوی جلادان دستان شاه و مزدوران و مستشاران آمریکائی و مزدوران ساواک نظیر زندی، زر، و همچنین حمله به ارگانهای ستم رژیم نظیر کلانتریها و ... از سوی رژیم شاه بر ترقی بازی تلقی می‌شد و انقلابیون جان برکف نیز مدتی خرابکاران و تروریست معرفی می‌گردیدند و حرکات اعتراضی توده ها بلافاصله بگلوله بسته میشد (گرچه حرکات اعتراضی گسترده ای هنوز شکل

شکل گرفته بود) و در چنین شرایطی یعنی در سایه جو اختناق و سرکوب شاه ادعای ثبات در ایران می‌نمود. حال با توجه به شرایط کنونی یعنی اینکه به یک دوران رکود بلکه دوران انقلابی است و علیرغم سرکوبها و کشتارها و دستگیریهایی وسیع هر روز شاهد اوج فزاینده جنبش توده ای هستیم و در شرایطی از ایران نظیر کردستان، توده ها بیچاره مسلحان بر علیه رژیم دست بازیده اند، بحراران اقتصادی ایامی وسیع یافته است و تضادهای درونی هیئت حاکمه وعدم انسجام حاکمیت هر روز بیشتر می‌گردد. خمینی فریاد ثبات سر داده است و حال آنکه حاکمیت در اوج بی ثباتی است. چگونه میتوان در سایه رعب و وحشت اوباشان رژیم بدست کمیتها و پاداران و در پناه جوخه های اعدام و کشتارهای دسته - جمعی و دستگیریهایی گسترده کنونی که هر روز اوج تازه ای می‌یابد سخنان بی ثبات بسمان آورد. اگر رژیم متکی به توده های وسیع مردم باشد آیا اساساً نزاری به این همه کشتار و سرکوب دارد؟ آیا اگر رژیم مورد اعتماد مردم باشد تا این حد از ثباتی تا زملتهای انقلابی وحشت دارد؟ آیا اگر رژیم بر اساس منافع توده ها و نه سرمایه داران حرکت کند، تا بدین حد از فاشگراییهای سازمانهای سیاسی می‌هراسد، تا بدین حد که هواداران اینگونه سازمانها را بجرم داشتن یک تشریفاتی اعلامیه دستگیر و اعدام کند؟ اما خمینی تمام این واقمیتها را ندیده گرفته و می‌گوید: "... در هر صورت بحمد - الله ایران با همه حرفها شیکه همه بوقهای خاچی دارند می‌زنند و ایران را گانه دیگر هیچ در ایران کسی نمی‌تواند در خانه خودش هم جتنی زندگیکند، نظوری که نظایش میدهند، الان رفته از بین دیگری خبری نیست در ایران جز اینکه چند نفر راهی می‌کشند و هر روز می‌کشند، دیگر خبری در کار نیست. همه اینها، ایران با ثبات ترین ممالک است الان و این نظارات و این نظور چیزها دلیل ثباتش است. هر روز نوشته می‌شود که اینک ایران دیگر رفته از بین و تمام شد و کجاش تمام شده این ایران هست و همین با زار - ها بجای خودش هست و وفور نعمت هست بحمد الله هست، البته گران می‌هم هست گران کیست که نیست؟"

در این سخنان چنین بنظر میرسد که اعدای رژیم طرف ۲/۵ ماه از مرز ۸۰۰ نفر تجاوز کرده است و دهها هزار زندانی در زیر شدیدترین شکنجه قرار دارند و املا مسئله قابل توجهی نیست، اینکه گران می‌کنند ما نمی‌تواند، در حصار ار که گران احساس نمی‌شود و برای پاداران و کمیت جی ها و تجار محترم نیز همه چیز فراهم است پس چه غم، ما رجز این دار و

دسته نیز با بد تحمل کند و گرنه صدا انقلاب - اند و مستوجب جوخه دار - اگر در گذشته دیکتاتور در پوشش تمدن بزرگ صورت می‌گرفت اینک دیکتاتور در لوی تحقق اهداف اسلامی خود را نشان داده است و انهم تنها اسلامی که خمینی فهمیده است و هرگونه درکی از اسلام نفاق توصیف شده و هرگونه ایدئولوژی در پوشش الحاد و مستوجب اعدام است. اما واقمیت اینست که مذهب از جانب خمینی و رژیم او تنها وسیله ای برای سرکوب نیروهای انقلابی و توده های مردم در آمده است. هرگونه اعتراضی، هرگونه اعتصابی و هرگونه نا رضایتی در پوشش کفر سرکوب - میشود. رژیم که تنها راه خروج از بحران اقتصادی و سیاسی کنونی را در پناه با گلوله خلامه کرده است تصور می‌کند می‌تواند مردم را به سکوت و تسلیم وادارند، اما هر گام که در این راه به پیش می‌گذارد، چند گام به سقوط محتومش نزدیک میشود. رعب و وحشتی که موقتاً "بر توده های تحت ستم حاکم گردیده است بمثابه یک عقب نشینی موقت جهت جهش آتی خواهد بود. جهشی که راهش خلقهای تحت ستم ایران را از هرگونه ستم و استعمار ربه نسیال خواهد داشت و این زمان نزدیک است.

جهارم

بقیه از صفحه ۱۵

میشوند و پس از تحقیقات مشخص می‌گردد که اعنای تشکیل دهنده آن پاداران - سرمایه می‌باشند و این گروه توسط سپاه هدایت سازماندهی میشده، در همین رابطه شهرهای با سرخنی بسیار متممید دارد که آنان را به دادگاهها تحویل دهند و سپاه نیز از شهرهای خواسته که آنها را آزاد کنند، بهره جت ترور این دوزخمتکنان با ردیگرما هیئت ضد خلقی رژیم را در دشمنی با کارگران و زحمتکشان بخوبی به نمایش گذاشت.

روز اول شهریور ساعت ۹ صبح یکی از پاداران سرمایه بطرف یکی از سیکار فروشان دروازه امفهان هجوم می‌برد که: "توقع فروش سیکار رنداری و این کنار قایق است، ما تممید گرفته ایم سیکارها را جمع کنیم، فروشنده جواب میدهد: "من میخواهم ببینم که میتونه جلوی فسروش سیکارها هم را بگیرد، که بعد از چند دقیقه مائین سپاه وارد ممرکه می‌د. سیکار فروشانی که در آنجا مستقر بوده و همگی از آوارگان جنگ ارتجاعی و با زحمتکشان شهر از بودند با هو کردن پاداران مانع جمع آوری سیکارها میشوند و تحساد و بیگنارچی خود را در عمل به مزدوران - سرمایه و عا ملین سرکوب نشان میدهند و اینکه اسلحه آنها در مقابل قدرت و همبستگی زحمتکشان بی قدرت است.

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

یادداشت‌های تاریخی

مقدمت کودتای ۲۸ مرداد (۳)

اتحاد جناح خمینی با عمال آمریکا و دربار از این هم‌فرازمی رفت، بدنبال شکایت شرکت نفت از ایران و اخراج کارشناسان و کارمندان انگلیسی، شورای امنیت تشکیل شد. ۱۴۰ مهر دکتور مصدق برای شرکت در جلسات شورا و دفاع از حقوق ایران به آمریکا سفر کرد. برای شورای امنیت اختلاف نظر به سود ایران بود. دولت شوروی نیز به حمایت از مصدق اعلام میکرد: "شورای امنیت حق مداخله در امور ایران را ندارد". مصدق خود به هنگام طرح شکایت انگلیس، میگفت: "شورای امنیت نمیتواند برای رسیدگی به مسئله ایران صلاحیت داشته باشد، زیرا نفت ایران متعلق به خود ایران است". در اول آذر ۱۳۳۰ مصدق با کسب ائتلاف نیروی نسبی به ایران بازگشت و در ۳ آذر گزارش شورا را به مجلس داد. در همین تاریخ فرماندهان کودتا مذاکرات خود را با رجال ایرانی از جمله نصرالله انصاری، غا زکرده، اکنون برخی از مجریان ایرانی کودتا که روز ولت از آن نام مستعار پیدا می‌کنند، به استخدام طرح درآمدند. در ۱۴ آذر نظرات دانشجویان توده‌ای برپا شد و با ردیگر گروه فدائیان را بسیج کرد. در ۱۶ آذر کلاور زنامه - نگاران درباری در محکوم کردن آن سرکوب و بنام دادخواهی در مجلس متعین شدند.

از آن جمله بودند: تولیت، جمال امامی، عباس شاه‌نشین، میراشرافی، عمیدینوری دیگران. هم‌زمان، بیانیه‌ها و هشتم - نامه‌های فدائیان اسلام در همگان روزنامه‌ها، یعنی "طلوع و داد" علیه مصدق انتشار یافت. اکنون "شاهسرخ" گوینده برنامۀ فارسی رادیوی هیتلری نیز نواب صفوی را "استاد خودمی‌خواند، عبای و عمامه می‌پوشید، تسبیح می‌زد و قول "حکومت اسلامی می‌داد. بدنبال این تحریکات مصدق نواب را بازداشت کرد (که البته به محض تحقق کودتا آزاد شد) در ۲۵ بهمن ماه، ناصر عبیدخدائی عضو فدائیان اسلام (که امروز نامیده مجلس اسلامی است) دکتر حسین فاطمی، مبتکر طرح ملی شدن نفت و همکار دکتور مصدق را ترور کرد. فاطمی مدت‌ها بستری شد لیکن جان سالم نبرد.

از اردیبهشت ۱۳۳۱، و با آغاز مجلس هفدهم، وضع دولت مصدق، متزلزل تر می‌شد. ارتش دست نخورده در دست از شاه حمایت میکرد، با آغاز اقتصاد بدون نفت، با زاریان که منافع خود را در خطر می‌دیدند، اکنون به آسانی آماده بودند به جبهه متقابل بپیوندند. روحانیون آنی از تحریک بازاری علیه مصدق دست بردار نبودند. بهیهانی‌تیه نمایندگی از آنان می‌گفت: "طبقه بازرگانان از بهیرفت امور اقتصادی که در اثر گرفتاری دولت درجا گرفتار و قهر گرفته‌اند، ما بیوس شده‌است. هم‌زمان، حزب توده، در نامه سرگشاده به مصدق "وجود بحران اقتصادی و پولی" ابراز نگرانی میکرد (جوانشیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۶۲). مجلس هفدهم که انتخاباتش بطور ناقص انجام شد، بیشتر مخالفان مصدق را در بر می‌گرفت. در ۱۹ تیر هنگامی که بار دیگر نخست وزیر به امحور شد (که از ۳۶ نفر فقط ۱۴ نفر ابراز تمایل کردند)، مصدق طرح کودتا را پیش بینی میکرد. بدینسان ۲۰ روز بعد درخواست

وزارت جنگ را کرد و خواستار اختیارات بیشتری شد. خودش میگفت: "من برای آن بست وزارت جنگ را خواستم که میدانم کودتائی در شرف تکوین است". ایمن درخواست با مخالفت شاه و پروتد. مصدق استعفا داد و ۲۵ تیر قوام السلطنه بجای او نشست. در اعلامیه نخست وزیر جدید گفته می‌شد: "وای به حال کسانیکه در اقدامات مملعانه من اختلال نمایند... کیفر اعمالشان را کف دستشان می‌گذارم".

با روی کار آمدن قوام با ردیگر جناح خمینی بسیج شدند. نماینده‌ای (که امروز یکی از مخالفان سرسخت اوست) به اعتراف خودش نزد او رفت. خمینی از قوام می‌خواست که در مقابل مصدق ایستادگی کند و به حمایت از سلطنت تهریزد. چرا که دولت مصدق "نهائیتاً" به سود کمونیست‌ها است. آیت‌الله کاشانی نیز که تا این تاریخ در جناح مخالف بود، رفته رفته به دارو دسته خمینی - بهیهانی پیوست. امروز حتی هواداران کاشانی معترفند که چند روز قبل از روی کار آمدن قوام، وزیرداری دولت کودتا گزراشده‌ی، یعنی "علی امینی به ملاقات آیت‌الله کاشانی آمد و اظهار کرد که آقای قوام پسندم داده اند که چون بزودی فرمان نخست وزیری را خواهند گرفت، و برای - موردا اعتماد خود را معرفی نمایند". (سید محمود کاشانی، قیام ملت مسلمان ایران ۲۵ تیر ۱۳۳۱، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۱) اکنون کودتاگران آینه‌د و عنان آزادیگری از جمله امینی که به اعتراف برادرش (پسر امروز، شماره ۲۵) و به استناد نامه دکتور شرمینی از زندان، یک میلیون دلاری شرمینی دلاری که در اختیار او داشته اند به حساب شخصی "او و ریزش و نیز عنان سر درباری هم چون فراموشی و اسداله علم، بران بودند که اختلاف مصدق و کاشانی را دامن بزنند و کاشانی را با ارتش همراه سازند. این طرح بدنبال قیام ۲۵ تیر جرمه عمل پوشید.

می‌دانیم که بدنبال استعفای دکتور مصدق و روی کار آمدن قوام در ۲۵ تیر، و از فردای همان روز نظرات پراکنده در تهران آغاز شد. سازمان جوانان حزب توده، به برهم زدن مخالفت رهبری از این تاریخ آشکارا به ملیون و پیوستنی از مصدق برخاست. حتی امروز حزب معترف است که در آن روزها "ضرورت استقرار هر چه بیشتر کنترل حزب بر سازمان - جوانان از مدت‌ها پیش احساس می‌شد. زیرا جوانان طبعاً "به سوی اقدامات تند بیشتر گرایش دارند و پذیرش مشنی پخته بفرنجی برای آنان دشوار است". لیکن رهبری در این راه شکی خورد و "متأسفانه تلاش حزب برای کنترل دنیفتنر سازمان جوانان چندان موفقیت آمیز نبود... و این سازمان را در بسیاری از مواقع در برابر حزب می‌گذاشت". (جوانشیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۱) - بدینسان رهبری حزب توده در قیام ۲۵ تیر کوچکترین نقشی نداشت. زیرا - بهیهانی‌های "جبهه متحدان" ستما را در پشتیبانی از مصدق و بدنبال حمایت رادیو مسکو از آن دولت (۲۸ تیر) تنها روز ۳۰ تیر، یعنی روز قیام منتشر شد. و حالیکه سازمان جوانان با تمام نیرو و به شیوه پیوسته بود.

با پیوستن سازمان جوانان به ملیون

و ارتکب مدعی سپاه دست امیرالسپه و دربار امپاد اکنون همگان از خطیر کمونیسم دم می‌زدند. تحت آیت‌الله کاشانی ارتش رخصت روی گردان شد. دربار به حمایت از آیت‌الله برخاست. "هر روز سران ارتش را می‌فرستادند نزد او که با امر شما چیست، هر چه بفرمائید ما کسار را می‌کنیم" و عکس و تصویلات کاشانی را با ارتشیان در حرابدا انتشار میدادند. (چند ماه پیش سرلشکریا تما نقلیح نیز در دادگاهای اسلامی، به رفت و آمد و مشا و ره خودیا کاشانی که "ار همه چیز خبردا شدند" اعتراف می‌کند.)

جناح جناح خمینی روشن است. - خودشان با تعریف رویدادهای تاریخی به نقش خود در زمینه سازی کودتا اشاره می‌کنند و در گفتار ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ اعلام می‌دارند که: "در آن روزها مردم عینک به چشم سگ زدند که آیت‌الله است. و من وقتی این منظره را دیدم، به یکی از - روحانیون گفتم: "دیگر مسئله شخصی مطرح نیست". مصدق با بد پرود، اگر بهما تلبسه اسلام سلی می‌زند، لیکن واقعتاً این است که مردم رفتن قوام را جشن گرفته بودند. منظور از آن سگ قوام بود که همواره عینک به چشم داشت. مردم آن سگ را - می‌چرخاندند و شام میدادند. قوام فراری شده، سوارگاری شده از آنجا که قسای خمینی سرخشان از دولت قوام پشتیبانی میکردند، در تشخیص هویت دجا را اشتباه شده‌اند، و قوام را با آیت‌الله کاشانی عوضی گرفته‌اند!

هم‌چنین ما از تکرار اعترافات علی تهرانی می‌گوییم که می‌گوید: همه دلایلی که آمریکا می‌خواست، ما برای تدارک کودتا هر چه کردیم، با ندادن اقدامات روحانیون موثر نطفه‌اد. در همین روزها، روزنامه‌های رسمی کشور اعلام میکردند: "رایطه شاه و آیت‌الله کاشانی کلاً صحت است و اغلب ملاقات‌ها طی صورت می‌گیرد". (خواندنیها، ۱۴ آذر ۱۳۳۱)

هم‌صدا با روحانیون، دکتر بقاشی که اکنون با کاشانی و قوام متحد شده بود، بده‌ها می‌گفت: "ما در ۳ تیر سوگند خوردیم به مقام سلطنت و فادار با شیم". سخنگویان دربار اعلام می‌داشتند: "سران ایلات بختبازی و قشقای هم قسم شده‌اند که بطور موثری ازنا هشته محبوب خویش پشتیبانی نمایند... و کشور را از بلای بلشویکی نجات بخشند" (خواندنیها، ۴ آذر ۱۳۳۱).

دره شهریور ۱۳۳۱ اولتیماتوم ترومن - چرچیل به مصدق (به دنبال قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان) اعلام شد. در هم‌راه لشکرگاردتاشی در اطراف تهران تمرکز یافت. اکنون زمزمه کودتا در همه جا پیچیده بود. بیکهفته بعد کمپ روز ولت رهبر عملیات کودتا، برای تدارک مقدمات وارد تهران شد. گروهی از نجا روحانیون در جرم شرکت در طرح کودتا دستگیر شدند. نام‌آه‌سندی و بقاشی بر سر زبان‌ها افتاد. دولت شوروی، از طریق روزنامه‌های خود، اعلام کرد: "دولت مصدق اقبال سقوط خواهد کرد" (روزنامه‌ها و گربا کو، به نقل از - کا میخ، جنبش کاکری، ص ۹۹). مخالفت چرا به انگلیسی و آمریکا می‌شد، جنبه دشمنی آشکارا داشت و "تلقویما" از کودتای آینه‌د سخن می‌گفت.

اکنون چگونگی اجرای کودتا و عمل شهریور آن را بدست می‌دهم. کودتای ۳۰ آذر ۱۳۳۰ شکل گرفت و آرام آرام به پیش خزید و سوانجام در دوره مرطبه اجرا شد. هر حله نخست در ۹ اسفند ۱۳۳۱، چنانکه خوا شده آمد، با شکست مواجه گشت و مرحله دوم در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحقق یافت

ادامه دارد

طنزهای سیاه دیگنا تور!

تخریب در مورد این رژیم ثابت کرده است که هرچه بیشتر در مورد موضوعی قسم حضرت عباس میخورد، مسلماً "دم خروس" بزرگتری از زیر عبا و یا درون جیبش بیرون زده است که با اندک شوخی بافت میشود. مثلاً آقای بهزاد دنیویز، ترنظر بگیریم که پس از آنجا رفتن دست و زبری با آن رنگ و روی پریده قسم میخورد که خبری نبوده است آنجا ر مختصر و عده ای از برادران با پای خود خارج می شدند عده ای را نیز بیرون می آوردند که در میان مجروحین اخیر آقایان با هنرور جانی نیز بوده اند اما پس از ۶ ساعت روشن میبود که کس خا کس را در جانی و با هنریس از ساعتی تلاش جمع آوری شده و آقای نسوی دروغ میگفته است.

یکی از жалبتترین موارد موجود در این رابطه سخنرانی خمینی در حضور هیئت دولت بود. خمینی در سخنرانی بسیار کوشید تا به طریق ممکن و با دلالتی بسیار قوی اثبات کند که رژیم جمهوری اسلامی با ثبات ترین رژیم های جهان است. خمینی آنقدر در اثبات این مدعا (کسه الحق اثباتش کار بسیار مشکلی است) غرق شده بود که فراموش کرد در همان جلسه مهدوی کنی نخست وزیر سر مساله املسی را بعنوان عمده ترین مسائل موجود در لوجه برنا مه های دولت برشمرد که عبارت بود از: ۱- مساله جنگ ۲- مساله امنیت داخلی ۳- مساله مهمی است ۴- مساله اقتصاد... با دید پرسید اگر مملکت بسا ثبات ترین مملکت ها ست و اگر پایه های رژیم همچنین محکم است پس چگونه مساله امنیت ملی در سر لوجه تمام می برنا مه های دولت قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی چگونه دولت بسا ثباتی است که قادر به تامین امنیت ملی نیست؟ آیا بد پرسید آیا ورشکستگی کا مل اقتصادی، تشدید روز افزون بحران نداشتن قدرت بر راه اندازی سیستم اقتصادی نشانه ثبات است؟ آیا فقر روز افزون، تورم و گریز کم تر شدن بیگاری بین ۴ میلیون نیروی کار، آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر نسبت به ثبات است؟ آیا بسا پایه های ثبات رژیم بر بنا رطابتی روز افزون بوده و با نفرت فرا بنده ثبات نهاده شده است؟ آیا قتل و کشتار، سرکوب، حکومت سرنیزه، زندانهای مملو از زندانی ترورهای خباثی، اعدا مهاجرتی که به وسپردن زن و بچه جوان به جوجه های اعدا دشمنانه ثبات است؟ آیا ممکن است کسی خباثی نهایی شهران و شهرستانها را ببیند سنگر بندیدها، دست اندازها و درهای آهن کوب شده کمیته و بنا بر رگانه های سرکوب را تا هدا شدوا ز سوی دیگر راه بندها و ما شین گردیدها و تختیش همای خباثی را مشاهده کند و از آن نتیجه گیری کند که رژیم جمهوری اسلامی با ثبات ترین رژیمها ست. آیا آنجا در دفتر نخست وزیر و در جلسه بررسی مساله امنیت کشور، آنهم پس از یکا رگیری تمام قدرت رژیم جهت "حفظ جان خمینها" نشانه ثبات رژیم جمهوری اسلامی است؟

بهر رو علیرغم تمام این مسائل خمینی معتقد است رژیم جمهوری اسلامی با

ثبات ترین رژیمهای دنیاست! بنا بر این بهتراست دلایل چنین سخنی را بررسی کنیم.

خمینی که اینک بدرستی عادت کرده است رژیم خود را تنها با رژیمهای فذخلقی و سرکوبی مقایسه نماید در ابتدای سخنانش میگوید که تا بحال ۸ نفر از رئیس جمهورهای آمریکا ترور شده اند که ۴ نفر از آنها کشته شده است و از این سخن نتیجه میگیرد که "پس اگر رئیس جمهور کشته می شود ثبات از بین میرود یا بد آمریکا ثبات را از دست داده باشد" خمینی بدین طریق سخنان هداثت کننده ترورهای اخیر و مرگ سران مملکتی دلایلی بر بی ثباتی رژیم نیست. دلایل خمینی در این مورد - بسا قوی است! و نشانه از چند مساله جزئی از جنبه های مینکندار سوسی خمینی از سخنان جزئی موجود بین ۱۲ سال و ۲ ماه چشم میبندد. خمینی میگوید تا بحال ۸ رئیس جمهور آمریکا ترور شده اند که ۴ نفر آنها کشته شده اند اما نمیگوید این ترورها در مدتی قریب به ۱۲۰ سال اتفاق افتاده است در صورتیکه رژیم جمهوری اسلامی در کمتر از ۲ ماه تقریباً "سران درجه اول خود را از دست داده است. در همین حال خمینی از فاکتورهای چون بحران اقتصاد یا کم تر اما بی ثباتی بوده ها، از هم با شدگی سیستم حزب (و در نتیجه عدم قدرت حاکمیتی بران و رهبران با کادرهای ورزیده) و... نیز چشم پوشی میکند.

خمینی در مثال بعدی خود ضربات وارد شده بر پیگرد رژیم را ۱۷ شهریور ۱۵ خرداد ۱۵ مقایسه میکند و نتیجه میگیرد چون در ۱۷ شهریور علیرغم کشتار وسیع توسط رژیم شاه جلادان بوده ها به مبارزات خود ادامه دادند در این مورد نیز مساله به همین صورت خواهد بود و رژیم با ثباتی کامل به مسیر خود ادامه خواهد داد. در این مورد نیز خمینی نکته کوچکی را فراموش میکند و آن اینکه در ۱۷ شهریور رژیم جلاد شاه بر پیگرد توده ها غریبه میزد دوسی داشت مبارزات او جگر برده عظیم خلق بسا و جنبین امکانی را نداشت. خمینی فراموش میکند که اینک او بر جای شاه نگه زده است و دیدگر در مقابل توده ها ونه در کنار آن طرف قرار دارد. اینک او رژیم جمهوری اسلامی سرکوبگر مبارزات خلقند و سعی دارند خیزش توده ها را به تسویق اندازند و اینک ضربات وارد بر رژیم جمهوری اسلامی ضرباتی است که از سوی خلق بر پیگرد رژیم وارد می آید. خمینی با بددا ندها (هما نگونه که بدرستی میداند) هما نظور که کشتارهای ۱۷ شهریور ۱۳ آن بان و صدها قتل و ترور و اعدام رژیمها هنتای شمردند و تنها مبارزات توده ها را منجمت و مضم تراختا اعدا جوانان، زنان و کودکان، دستگیرگاریگان کشتار مبارزین و تمام سرکوبهای رژیم خونخوار جمهوری اسلامی نیز تری بخش شدید مبارزات توده ها و سرکوبی سرمتر رژیم بر جای نخواهد نهاد.

در انتها نیز خمینی طنزهای خود را بکار میگیرد تا اندکی وزیران هراسان و غمزده را بخنداند. در چند مورد خمینی موفق میشود مثلاً "آنجا که میگوید "فردا -

بگین هم اسلام شناس میشود و نا بد شده است یا آقای کارتر هم جزوا سلام شناس است شما می وزیران را به خنده و او میدارد. اما طنز اصلی نطق خمینی هیچکدام از وزیران را بخنداند و اسمی را در خمینی نمیگوید. ما تنها بدستوقع با شیم روزنامه های آمریکا و کسان دیگر برای ما چیزهای خوب نیستند. خوب آنها رفتند از زمین، ما فشان از دست رفتند است. خوب کسی که تمام نطقش را شما ارش گرفته اید، ملت ما (منظورش همان رژیم جمهوری اسلامی است) همه منافع آمریکا را گرفته اند الان بگنای ندادرد. یک سیر نفرت نسبتاً انداز اینجا ما در کتدو... بله این نکات طنزهای اصلی خمینی اند. طنزهای واقعی نه ای که قصد دارنده مینوسنیا دلارها ملات اسلحه های آمریکا نی، به ورود سل آتای فرآورده ها و تولیدات امیرالیسی، بر اساس عبا زار- های ایران از کالاهای غرب وارد میبند- های با شیطان بزرگ برده میفکند. طنز- ها بی که گرچه نسبتاً وزیران را بخنداند اما توده ها را به ریشخند و امیدارد و خشم و کینشان را فروزتر خواهد ساخت. طنزهای بسا به یک دیگنا تور!

گزارشی از شکنجه های وحشیانه... بقیه از ۵

مختلف بدنشان سوخته بود. از زوری نفاط سوختگی چنین بنظر میرسید که با سیکار بدن آنان را سوزانده اند. جدیدگی از شهدا از ناحیه زانو نوموروم کبود استخوان زانو شکسته بنظر میرسید تعداد شکنجه شدگان محدود نفر بودند. لباس شهدا متدریس و پاره پاره بود یکی از مسئولین بزرگی قاتونی تا گهان متوجه پای یکی از اجساد از زندگان تا شکسته شد کبود بود و آثار سوختگی در کف پا و ساق پا دیده میشد از شدت تارتی شای شهید را بلند کرد و فریاد زد: این اسلام و انسانیت خمینی است.

مردم چه میگویند؟ مردم... بقیه از صفحه ۱۳

هم بدتر شده "خاتم من پشت سر مردار دامه حرفهای اگفت دید که جقدر طاقت بسا وریم اینهمه فشار بر مردم وارد میشه از اینطرف گرانی و بدبختی از آنطرف هم بچه ها مون را میگیرند میبرند زندون. زحمت بگش با هزاری بدبختی جون بزرگ کن بعد این کثافتها بگیرند و بکشند" و در حالیکه نفس تازه میکرد اذاه کرد "چند روز پیش آمدن پسر یکی از دوستا مون بودون هم مدرکی و روزنامه ای بردند و این وقت میگن ما هیچکس را بدون دلیل نمیگیریم از اون بالایی تون بگیرتا با شینی تون همه بفکر خودتون هستند و مردم کلک می زندن پروها از سراسر ایل اسلحه میگیرند و میگویند بگن بر آمریکا با پول نفت ما گلوله میخرند و با آن سینه جوانهای ما را سوراخ سوراخ میکنند" پسران با حارارت واقعیاتی را که در تار و پود روزنامه اش بدرستی در ک کرده بود با زگو میکرد و تمامی جمع آنها تا شد میگردند. توگوئی سخنان خود را از زبان او میشنوند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند



نقل از :

خروش

نشریه همداداران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

شماره ۵



میشود با انبوهی از بهترین فرزندان خلق که بیش از چهل نفر بودند روبرو میشود و زمانی که جسد فرزندش را با و نشان میدهند با جسدی با دگرده و سیاه و خونین و سینه سوخته روبرو میشود. در همین زمان خانواده یکی از شهدا فریاد میزند که "مردم بسا شید، ببینند که چگونه فرزندان شما را شکنجه و تیرباران کرده اند" در همین موقع دژ خیما آن از ترس درها را بسته و از تحویل اجساد خودداری میکنند. -

و اینست و اینستگان شهدا به افشاگری دست میزنند و هر آنچه را که دیده بودند برای مردم با زگو میگردند برای مثال یکی میگفت "بدن فرزندان را سوزانده و بگردن آنها طناب انداخته و آنقدر کشیده اند که صورتشان سیاه و باد کرده شده بود." و دیگری میگفت "بیضه های سه تن از آنان را با قدری با سیم بیجا نده - اند که نتوانسته بودند آنرا از زمین بپروند و پدر یکی از آنان سیم را بسا خودش بیرون آورده و نشان میداد." بطور نمونه مجاهدین ما امروز بطلب را چنان شکنجه کرده بودند که اسفند خنای کسف پایش بوضوح دیده میشد. بعد از آن -

مزدوران جناب الهی به خانواده شهدا حمله کرده و آنان را به باد فحش و تازی میگردند و حتی مادر یکی از شهدا را به شدت معرجه میکنند. بعد از این جریان بسا قبرستان رفته و در آنجا با جا قووسا طور و سوار بر موتوروما شین در حالیکه خوشحالی میکردند شعار میدادند "اعدام انقلابی موردتائید ماست" و از به خاک سپردن اجساد جلوگیری نمی نمودند.

مزدوران جناب الهی رحمتی از انداختن سنگ بر روی قبر آنان جلوگیری کرده و به سنگ - تراشان اعلام کرده اند در صورت تراشیدن سنگ با زداشت میشوند و حتی اجازه اینکه نشانی بر مزار آنان گذاشته شود نمیدهند و هر روز قبرستان را بوسیله مزدوران - حزب الهی محاصره کرده تا کسی بر مزار آنان تجمع ننماید.

اما چه سود! هر چه میخواهند بکشند زیرا با شهادت هر انقلابی صدها انقلابی بسا خواهدند و خواست و سرانجام روزا انتقام خلق فرا خواهد رسید و دیری نخواهد پاید که خلق قهرمان ایران انتقام خون تک تک فرزندان را از مزدوران حاکم خواهد گرفت.

در سیاهچالهای رژیم چه می گذرد؟

هموطنان مبارز هم اکنون در زندان "ظالم آباد" شیراز بیش از ۵۰۰ تن از نیروهای انقلابی در - شرایطی بس دشوار بسر میبرند و جانشان هر لحظه در خطر است در چند هفته گذشته در شیراز شاهد اعدام بیش از ۸۰ نفر از بهترین فرزندان خلق بودیم قهرمانانی که تا آخرین دم از - منافع خلق دفاع کرده و شهادت را با آغوش باز پذیرا شده اند. جلادان رژیم ما کمبسه سبک ساواک فقط به خانواده شهدا اطلاع میدهند که برای تحویل اجساد فرزندان خود بدون سروصدا به پزشک قانونی مراجعه کرده و بیشتر ما نه از آنان با راهرتیکس ۸۰۰ تومان تا زشتت طلب میکنند. روز سه شنبه ۶۰/۶/۳ زمانی که خانواده شهدا جهت گرفتن اجساد فرزندان خود به پزشک قانونی مراجعه میکنند با اجساد کبود شده و خون آلود فرزندان نشان مواجه گردیده و بسا به سرمایه نیز اعلام میکنند در صورتیکه سروصدای راه نیتند از اجساد را بسا تحویل میدهند. مزدوران حتی اجازه نگریه کردن راه بسا در آن پیرایین عزیزان نمیدهند. هنگامی که پدر یکی از شهدا برای تحویل گرفتن جسد فرزندش وارد پزشکی قانونی

حیله جدید رژیم جهت کنترل جنگزدگان

چندی پیش مزدوران سرمایه برای اینکه بتوانند قدرت و اتحاد جنگزدگان را بیشتر کنترل کرده و خوابگاه را تبدیل به زندان جنگزدگان کنند، نقشه ای کشیده تا از این طریق سیاستهای پلیس خود را به اجرا بگذارند. جریان بدین قرار بوده که شخصی تلفنی به خوابگاه جنگزدگان واقع در بیست متری تماس گرفته و میگوید: "بسی در خوابگاه کار گذاشته شده است. مسئول خوابگاه با هوو جنجال همه را بسا خبر کرده و جنگزدگان مستقر در خوابگاه پس از شنیدن خبر سرمایه بخوابان - میریزند و وحشت عجیبی همه را فرا میگردد. سپس ما موران کشف بسا!! او را معرکه شده و پس از بررسی خوابگاه میگوید که هیچ خبری نیست و خطر رفع گردیده. به دنبال این جریان مسئول خوابگاه - میگوید برای جلوگیری از وقوع حادثه هرب بعد از ساعت ۹ درب خوابگاه را قفل میکنم. طرح این مسئله با مخالفت شدید جنگزدگان روبرو میشود. منظور مزدوران سرمایه از اینگونه اعمال آنست که بنا به بخش این جور تا بیعت و اینکه نیروهای انقلابی در اماکن عمومی بسا!! گذاری میکنند. به نیست مردم را نسبت به نیروهای انقلابی بدین گریه و همجنین به بیانه نمب!! (بخوان اعلامیه) تا کمترین خوابگاهها را با زسی و سپس بدلیل عدم امنیت آنان ترا با دوگاه جنگزدگان که از حداقل رفاه برخوردار نیست روانه کنند. اما بقول یکی از جنگزدگان "کور خوانده شد."

چهرم

از وضعیت وی خبری در دست نیست و احتمال میرود که مزدوران اورا نیز بشهادت رسانده باشند

چندی پیش جسد و نفر که به طرز فجیعی بشهادت رسیده بودند در باغهای اطراف چهرم توسط مردم پیدا میشود. این دو نفر که یکی راننده تاکسی و دیگری کارگر بسا بوده است توسط مزدوران سرمایه که خود را گروه توحید می نامند بشهادت میرسانند. جنایتکاران مزدور ابتدا آنان را شکنجه کرده و پس از آن به جسد بیجان طبق اظهارات پزشک قانونی برای رد کم کردن شلیک میکنند. افراد این گروه چند روز پیش توسط شیرانی دستگیر

در پی اعدام ناجوانمردانه فدائی خلق عظیم سرعتی که چندی پیش در چهرم صورت گرفت، بسا سرمایه شش ماهه روز در پی دستگیری برادر فدائی شهید بوده و سرانجام در تاریخ ۶۰/۵/۲۷ اورا در نزدیکی خانه یکی از فامیلیهایش دیده و بطرف او یورش برده و پس از شلیک چند تیروی رادستگیر و بطرز فجیعی که اعتراض مردم را کاملاً بی اثر نگهخته بسود به بسا هیزده میشود در نماز جمعه نیز حزب الهی ها خواستار اعدام وی میگردند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



اخبار شهرستانها

اخباری از شهرستان قزوین

روز ۸/۵/۶۰ در محله ولی عصر خم آباد قزوین، شهردا ری برای اعداد خیابان - تصمیم گرفت قسمتی از زمین یک کشا و رز زحمتکش (سبزیکار) را بزور از او بگیرد. ما مورین شهرداری، ولدا آبادی و زور آبادی برای گرفتن زمین به او امر جمع کردند. سبزیکار با شنیدن این خبر شدیداً عصبانی شد و گفت چگونه است که از زمینهای سید جوانی که شما منوطه را دارین منمیکیرید چون او به شما منوطه داده، ولدا آبادی با خون سردی گفت: مفت شمتان که رشوه گرفتیم حالام هر کس زورش بیشتر باشد برنده میشود. سپس سبزیکار شما چند نفر را فراد شهرداری را که رشوه گرفته بودند از جمله خدا دا دهرش مرد و گفت مگر همین بیشترها شوی خیابان دادنمیزنند؟ آن کسی که ری زمین کار میکند ما لگ زمین است پس چرا زمین مرا که از زمین غروب رویش کار می کنم می خواهید بگیرید، با یاد از روی جسد من رد شویدا تا زمین مرا بگیرید، بهیاشید مرا تیرباران کنید ولی زمین مرا مندم

دوم خرمایا سال جاری ششتری از سوی ما حیان کارخانجات آرد ساری (قشیری از مرتجعین وابسته به حزب جمهوری) و نماینده تام الاختیار استان را ری و نماینده فرماندا ر شهرستان قزوین و نماینده - چهار دس زندگی و همچنین با زمان عمران و زمان تمام و روستای شهرستان قزوین تشکیل شد و تصمیم گرفتند تمام زمین را وادار به تحویل کنند به او راه غلغله نمایند، و چنانچه از اری کندم خود را تحویل ندهد حق تقاضای کود شیمیائی نداد و طبق نامه شماره ۶۵۱/۱۸۰ مورخ ۶/۴/۶۰ هزار ع حق فروش کندم خود را باز آردا نندسداد. و حتی اعلام شده که اگر چنین موردی مشاهده شود فروشنده و خریدار را بد فوراً دستگیر و تحویل باسگا های زندان ر مری شوند.

رژیم زیکسوگندمرا بسیار از رزان از کشا و رزان مایخرد و از سوی دیگر با آراب و تهدید مانع فروش آردا دگندم میگردد. اما اینگونه فشارها و تهدیدات قادر نیست این بخش از زحمتکشان میهنمان را وادار به تسلیم نماید و آنان با مقاومت خود در مقابل رژیم ترور و سرکوب، به حقوق حقه خویش دست خواهند یافت.

رژیم برای برای بله با روستاشیان بقیه در صفحه ۱۶

گیلان

روز دوشنبه ۲۵/۵/۶۰ معاون وزارت کشا و رزی اعلام کرد برنج درجه یک گیلان از سبزیکاران به قیمت هر کیلو ۱۵/۵ ریال خریداری میشود.

همراه با اعلام این خبر گفته شد که قیمت برنج برداختی اسال توسط دولت ۲۵٪ از سال قبل بیشتر است. ظاهراً این اضافه برداخت میبایست جبران کننده تورم بی مهارت فعلی باشد اما تورم کنونی در مورد اکثر کالاهای مصرفی رقی در حدود ۲۰۰٪ می باشد و هزینه ما به محتاج عمومی رسام آوار است

قیمت قند و شکر و جای و روغن و گوشت اکثر کالاهای برداشده است به علاوه قیمت کدو و بذر و سوسوم و شیمیائی را کشا و رزان با

قیمت بسیار تهیه کرده اند حال رژیم می خواهد از کشا و رزان زحمتکش برنج را با افزایش قیمت ۲۵٪ بخرد و تهدید کند کرده که دولت مقدار برنج از غلغله و آرد می کند تا با این تهدیدات تصمیمی سرما به دارا نه برای تحویل برنج به دولت وجود داشته باشد.

زحمتکشان آگاه و انقلابی:

با اتحاد انقلابی خود و تشکیل شوراها و واقعی در مقابل سیاستهای ضد خلقی رژیم ایستادگی کنید. قیمت مناسب برای برنج را خود در شوراها بیان تعیین و تا خرید برنج با این قیمت از فروش برنج به دولت خودداری کنید. در اطراف ایسن مسئله و تاج و آشکارا دولت به حقوق کشا و رزان، سایر زحمتکشان را از وضع خود آگاه کرده و آنها را به کمک طلبید. تنها در اتحاد آگاهانه شماست که رژیم وادار به تسلیم خواهد شد.

کرمانشاه: قصر شیرین

عده ای از سرما به داران قصر شیرین اقدام به خرید خانه و متاز آوارگان در قصر شیرین نموده اند. آوارگان این منطقه بیخاطر فشارهای اقتصادی از آنجا که شدیداً در تنگنای قرار دارند اخیراً شروع به فروش آخرین مایملت خود نموده اند و حال آنکه این زحمتکشان با بید محدود متشکل شده و دولت را وادار سازند تا احتیاجات اولیه آنان را فراهم سازد و به هیچ وجه غنا نسبه و کالاهای خود را به سرما به داران زالی و صفت نشرو شد تا پس از جنگ مجبور باشند همان خانه ها را از آنان اجاره نمایند.

"بهداشت - مسکن و نان برای آوارگان - تامین بایند گردد"

پس از ترور بطحی، دادگاه انقلاب - کرمانشاه اعلامیه ای خطاب به تاجکسیران ما در نموده و متذکر شده است که باره ای از آنان اقداماتی علیه جمهوری اسلامی

میکنند و تا بهی پراکنی میکنند و از سردم خواسته که آنها را معرفی کنند.

طبق گزارشات رسیده آموزش و پرورش کرمانشاه در صد یک نمویه گسترده در سطح معلمین است یکی از مدیران مدارس گفته است که ما می ۷۰۰ نفر را برای تصفیه به هیئت تصفیه فرستاده اند و ۱۴۰ نفر را علاوه بر تصفیه به دادگاه انقلاب معرفی کرده اند. در هفته گذشته نیز ۷۰۰ نفر را تصفیه کرده اند و از دانشجویان بومی دعوت شده تا برای کار به آموزش و پرورش مراجعه نمایند. اساساً هر معلمی که گزارش سیاسی دادار - دم تیغ تصفیه گذرانده میشود حتی هواداران حزب خائن توده و اکثریت مشمول این تصفیه ها هستند.

رژیم جمهوری اسلامی تصور میکند که به تصفیه و پاکسازی می تواند از رشد جنبش انقلابی جلوگیری کند اما نه تنها این اعمال مانع رشد مبارزات توده ها نمیشود بلکه مبارزات آنها را تشدید کرده و لحظه سرنگونی رژیم را نزدیکتر میسازد.

کارگران مبارز خفاصه بسیار بی باکی!
تا با بازگشت همکاران خود بدید، سرکار
به مبارزات خود عمایه اقدامات نموده
کارگری انجمن اسلامی ادامه دهید.

سرگینر حزب جمهوری اسلامی، رهنمایان انقلابی
بند بسوی تشکیل مجلس مؤسسان.
تا با پیوستن به سازمان همایون ایران به سرگینر
بسیار با یکدیگر.

موانع سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشاه
ت - ۱۲ - ۱۳۶۰ (کارگران بهرورد)

اخراج ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه
خانه بسیار بی باکی که بهیسان نمایندگن صورت گرفته است. بیادگر
بما بصیبت ضد خلقی و رقیب، و چون اتمش

بر کارخانه کسی باشد. این اتماتند که رگزی را شکم کرده و کارگران را به مبارزه
طلحه آن فراموش خواهیم.

سرگینر حزب جمهوری اسلامی، رهنمایان انقلابی
بند بسوی تشکیل مجلس مؤسسان.
تا با پیوستن به سازمان همایون ایران به سرگینر
بسیار با یکدیگر.

موانع سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشاه
ت - ۱۲ - ۱۳۶۰ (کارگران بهرورد)

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اخبار شهرستانها

اخباری از شهرستان قزوین

شماره ۱۵ صفحه ۱۵

از ترمیم و درست آسباب ها جلوگیری میکنند مثلاً در آبیک و همچنین آبیکر همدا ن قریه و افرمین - بهشتیان ، نجف آباد و آسپان از قراء تا بیعتا کستان نطق دستور کمیته - ها و ایادی حزب - بوری اسلامی وانجمن - های اسلامی به این حلیه متوسل شده اند تا روستا شیان را وادار به تحویل گندم - سازند.

« اخیراً در اداره آموزش و پرورش - قزوین مجدداً دست به اخراج معلمین آگاه دوره ابتدائی، را همتا شی و دبیرستان زده است. هجرتی و همیا لکی اش چگنی معلمین را به دلایل از جمله برخورد با مدیر مدرسه و تن ندادن به جا سوسی اخراج میکنند. چگنی مزدور هنگا میگه پس از قیام ، به ریاست دانشمرا ی را همتا شی انتخاب شد، معلمین مبارز را از دانشمرا اخراج کرد و

اکنون که به معاونت آموزش و پرورش - منصوب شده میخواهد خوش خدمتی های گذشته اش را گسترش دهد.

مدیریک مدرسه را همتا شی میگفت : «حسق مدیریت را از من سلب کرده اند فقط به این دلیل که چرا توهین معلمی را معرفی نکرده ای و من در جواب با آنها گفتم آیا شما مرا برای مدیریت مدرسه فرستاده - بودید یا بعنوان ما مورسا واک ؟»

وهجرتی چه زود قراموش کرده که در مقطع قیام درخا نه اش مغفی شده بود تا مبادا - آسیبی ببیند و هنگا میگه بدنبال مبارزات قهرمانا نه خلق و از جمله اعتمادات سراسر معلمین یعنی همین معلمینی که امروز توسط این مزدوران اخراج میشوند رژیم مزدور شاه سرنگون شد. این تا زود قدرت خیزدگان انقلابی شده اند و انقلابیون و مبارزین را انداخته اند و انقلاب مینا مند. اما دبیری نخواهد بود بلکه این مزدوران به همراه - رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای خلق به گورستان تاریخ سپرده شوند.

اصفهان

اوفا عشق شهر بدست در حالت خفگان و وحشت است. کوچکترین سخنی در رابطه با آزادیها کتک و فحش ونا سزا از طرف غداره بندگان حزب پا سخدا ده میشود. میدان - انقلاب را بغا طر جمع جنگزدگان میدان خدا انقلاب نا میدهند. خوزستان شی ها را بغا طرا اعتراضا ن نسبت به اوفا عجمیا " خدا انقلاب میگویند. اعتماد نسبت به افراد سلب شده است هر کس فکر میکند طرف مقابل جا سوس است. درخا شیکه کار می کنم ۱۲ - کارگر وجود داره که اکثر اش "سنان بالاتر از ۳ سال است. چند روز اول فکر میکنند وابسته به دولت هشتم بعدا "به من اعتماد کردند و در دودل ها بیان را با من گفتند هر روز عدو دنیسا عت با هم صحبت میکنند و این نمونه ای است از گفتگوها که انجام میشود.

کارگری که حدود چهل سال دار دینسا حالتی خشمگین گفت "پدر سوخته ها دیروز کارگری که به ترک موشورینا سوا رسود در خیابان فرخا با دیوسله تلپک با ساری کشته شد (۶۰/۵/۲۱) آدم خوبی بود، مینسا - ختمش صحیحاً داده که برای زبون فرزندش - نان درسیا ورد. بیشترهای وقتی مردم مع - شدند یا سدا ریا سلحه در دست میگفت او - خدا سلام بود کشتش آخه کسی نسبت بگه این چه وضعی. مملکت نه رئیس داره نه کسی که به او ن شگا بیت بکنی. کارگر دومی گفت آخه اینا که شرف ندانن وقتی دختر سیزده ساله را اعدام میکنند آخه اینا مسلمان - نیستند ابوی اسلام را بردن کارگر جوانی گفت خوب از کجا معلومه همین اسلام باشه و ما خبر ندا شته یا شیم. کارگری که همیشه سرکار غرغر کنان کار میکند با حالتی عصبانی گفت این هندی زاده که آمد گفت نه پول آب نه برق نه نفت نه مالیات هیمی ندین جا لاشه چیزه سوا برنده من از اول میدونستم که اینا هیچکاری نمیکند و از اول بهشون رای ندا دم دورا هیبا شی ها - شون شرکت نکردم سشوال کردم به رای شی رای دادی گفت نه اگر دینما بزنن رای - نمی دهم اینا فقط دنبال مقام هستن این که از مملکت داری چیزی سرش نمیشه و ن از رفتن شی، بخدا قسم وایل انقلاب گه آمد دا خل تلویزیون آدم ترش میشد به صورتش نگاه کنه حال اگر دینش به اتدا زه سبت - اش شده این شهره خون من و تو که مسی خوره و جاق و چله میشه منی که روزی ده - ساعت کار میکنم در این میان صدای تیری آمدند بیلندشین برویم سرکارا لان میکن خدا انقلابند.

حلفا

در تاریخ ۶۰/۴/۲۰ کارگران روز مزد انبارهای عمومی حلفا که شش ماه است حقوق دریا فت نگردند نطقی نجمی - خواستار پرداخت حقوق شش ماهه خود شدند احدی نژاد (سرما به دار) و نما پنده نخست وزیر و همچنین بخدا ر حلفا در محل حاضر شده و شروع به تهدید کارگران - کردند کارگران که تعدادشان ۴۰ نفر سر بود همگی با مشت های گره کرده و یک صدا و متحد خواستار حقوقشان بودند. احدی - نژاد میگفت شما اعتماد کردید دستگاه - ها را خوا با ندید اینهمه نخست وزیر کزارش کرده ام شما ها املا نمیدانید چکار میکنید مدایتن را ضبط کرده اند از شما فیلم برداری نموده اند و خلاصه با این حرفها میخواست روحیه انقلابی کارگران را تضعیف کند اما کارگران اینبار یکا خشمی بیشتر فریاد زدند اما حتی کرایه خود رفتند و ایم چرا تا بحال حقوق ما را

نبرد آخته بیدار این موقع بخدا رگفت دینفرما پنده بفرستید تا ما رسیده کسی کنیم کارگران همگی گفتند ما تا بحال چندین مرتبه نما پنده از خودمان و از - ادار هکار فرستاده ایم ولی هیچتا شیری ندا شته فقط ۳۰۰ تومان مسا عده داده - اید. احدی نژاد سرکارا رگرا سدا زد و گفت مگر مسا عده ندا ده اید و گفت بمن مسد هزار تومان داد بودید که به کارگران گفتیم نفی دو هزار تومان بگیرید و لسی کارگران نگرفتند. کارگران سرکارا رگرا که یکا کنشینی خاشن و حامی احدی - نژاد درما به دار راست محکوم کردند و گفتند چرا دروغ میگوئی. احدی نژاد میخواست هر چه زود ترا از مملکت فرار کند کارگران - فریاد زدند جلوی دفتر و پنجره ها را بگیرند و بگذا رید فرار کنند و دورا ورا گرفتند و برای تمغیه حساب به بخدا ری رفتند این تجربه به کارگران آموخت که تنها در - اتحا دیدکیا رچه خودقا در ندیده خواستهای خود تحقق بخشند.

مرد را آگاه قدمش شهود بجز!

از تروپا ده های عربیه قشایا نازل عینداری کنده - دولت سوزن غلا - مسکن و اما کانا رها من بنات:

بنا اتحاد پیولادیه اشتقاقی انضامانی

خود را از جنگ رژی بر حاه می

سرمایه داران بصیر و ن بکشمید.

سرکبر حزب جمهوری اسلام ، زنده باد مبارزانی انقلابی
مرد بسوی تشکیل مجلس مومنان

سرکبر حزب اسلام جهانی سرکبر دکتس امیرالمسلم آمریکای
پاکستان و انگلیس.

موا داران سازمان جنبه های لغات خلق ایران - کرمانشا
۱۳۰۸/۸

کارگران از خوردن می پور بکنند!

پولس که جت وام سکن را آنها گرفته نده سوسال بکمال کبار لنگه استامبولی که از برکت نما و نسی بشت می آید به جبهه کاسی میروند و کبارمانه که نتیجه زحمت عبا نه روزی کارگران استند مقدار و مصیبت کسان می شود!

سرکبر حزب جمهوری اسلام ، زنده باد مبارزانی انقلابی ،
مرد بسوی تشکیل مجلس مومنان .

سرکبر امیرالمسلم جهانی به سرکبر دکتس امیرالمسلم
آمریکایا و انگلیس .

موا داران سازمان جنبه های لغات خلق ایران - کرمانشا
۱۳۰۸/۸

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

در هجوم وحشیانه سرکوبگران رفیق مسعود جعفرپور پس از دستگیری به شهادت رسید

مریوان
روز ۲۸/۵/۶۰ - در یک هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به روستاهای خاتقاه، رزآب، کراآباد، پیشمرگان قهرمان فدایی و دمکرات به مقابله با آنها و دفاع از مردم زخمکش روستاهای مذکور برسی خیزند. دشمن در این حمله از تاکتوتوپ و اسلحه های مختلف استفاده کرده و مزارع روستاهای اطراف را به آتش کشید. در این درگیری بیش از ۱۰ نفر از دشمن کشته و یک خودرو حامل مزدوران و کالیبر ۵۰ در حال عقب نشینی به یک مین که توسط پیشمرگان کارگزاران شته شده بود بر خورد می کند و در اثر انفجار مین منهدم می شود و سر نشینان آن تماماً نابود می شوند. در این درگیری یکی از رفقای فدایی بنام مسعود جعفرپور محارمه و توسط مزدوران دستگیر می شود و روز بعد او را در سروآباد بدون محاکمه با اعمال شکنجه های وحشیانه به شهادت میرسانند. در هنگام شکنجه و شهادت رفیق روستا نشینی که در اطراف تا طرف اقمسه بودند از روحیه جنگندگی او در مقابل با سدا را ن سرما به و خونریزیها تمسب و تحسین یاد میکردند که رفیق تا پای جان و تا آخرین لحظات حیات قهرمانانه اش همچون دیگر رفقای شهید فدایی با شفا و - های استقلال در رویداد های و مبارک سر سرکوبگران در مقابل با سدا را ن مزدور ایستادگی میکرد و قبول خود رفیق قهرمان در آخرین لحظات زندگی افتخار آفرین خود می گفت: « رژیم با کشتن من و امثال من نمیتواند خود را نجات و حاکمیت خود را تثبیت کند؟ »

در حالیکه با سر نیزه بیکر رفیق را - سوراخ سوراخ کرده بودند با شلیک حدود ۳ گلوله رفیق را به شهادت میرسانند. با دشمن گرامی و راه سرخش پیروز باد. رفیق فدایی و ارزیت و فدایی و ایدیه شهادت رسید. به خونت سوگند رفیق، که راهت را ادامه میدهم و انتقام خون تو در دیگسر انقلابیون را خواهیم گرفت. جاودان با دیا فدایی شهید رفیق مسعود جعفرپور.

خبرنامه سازمان چرخهای فدائی خلق ایران - یگان

متن وصیتنامه

رفیق مسعود جعفرپور

خطاب به تمامی مبارزین راه آزادی زحمتکشان، به سازمان پرافتخار چرخهای فدائی خلق ایران، به خانواده ام، سلام مرا که آخرین سلام زکروستان خونین است بپذیرا باشید.

در پیدا دگا جلادان جمهوری اسلامی مرا محکوم به اعدام نموده اند. البته بدون - محاکمه و لی از این رژیم که جا می رسد به - داران است بیش از این انتظار نیست. با کشتن ما رژیم نمیتواند احکامیت خود را تثبیت نماید بلکه قطره خون دیگری به دریای ستم و بیگانه خلق خود افزود که ستمیان ستم و استعمار را برخواهد گشتند. - مبارزه ای که امروز در سراسر ایران اوج گرفته است مبارزه ای است بین دو طبقه زحمتکشان و سرما به داران. این قهرمان اعمال فدایی سرما به داران است که هر روز مبارزین فدائی و سایر پرورمندان را به خون میکشند و با طرفدای زحمتکشان ستمیده کرد و بیگانه طرا نسا نیست، بیگانه استقلال و آزادی را رگبار و زحمتکشان و به جرم مبارزه علیه مزدوران سرما به محکوم به اعدام شده ام و این راه را با افتخار تا به اینجا رسانده ام و به تمامی رفقا بهیچا امیدم که در راه آزادی خلق و خون شهدایان با برجا و مقاوم باشد. روزی خواهد رسید که ساره سرخ آسمان نشان را پر نور نماید.

در خاتمه به خانواده ام به ما در میام میدهم که ناراحت نباشید و شهادت مرا بپذیرا شوید. خواهان ویران در انوار در - ضمن و داعیه مبارزه می خواهم. شما باید درک نموده باشید که این رژیم چه ماهیتی دارد و با این درک از مبارزه خلق برای شهادت من ناراحت نخواهید شد. موفق باشید.

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

صبح زود که در صف نا نوایی ایستاده بودم، صف طولی چند متر آنظر فتر نظر افرادی را که منتظران بودند جلب کرده بود. صف برای گرفتن کپسول گاز بود. گفتیم "همه اش صف، صف، ایادش بخیر چه وعده و وعده های میدهد، میدهد، میگفتند سهم نفت را میا و رژیم در غونه میدیم" بفلسل دستم که زن جوانی بود گفت "خا سجون - خیلی چیزها میگفتند: آب مفتی، برق - مفتی، همه چی ارزون و فراون، همه خونه - دار میشن... پس کوا همه اش وعده و وعده بود میدونید چرا برای اینکته توی ایرانم و فرماندم جمهوری اسلامی را انتخاب کنیم" خانم سنی که پشت سر من ایستاده بود گفت "بریزند از شما را نگاه کنید، بهره چه های ۱۲ - ۱۳ سال رومی برندا عدا می کنند میدونید چرا این چه؟ بخاطر اینکته استانی را نگفته اند، فکر میکنند این راه اسلام است که اینها میروند؟ نه به پیر، نه به پیغمبر، زن دیگری که چادرش را از بس شسته بودگا ملا رنگ و رو رفته بود گفت "این انتخابات ها همه کلاه شرعی است اینها خودتون قبلا توی مجلس رئیس جمهور را انتخاب میکنند" وزن دیگری - جواب داد "همه شون مثل همدیگه هم مثل بنی صدر آمریکا بی از آب در میآیند. اینها هم به در طبقه پایین نمی رسند اگر برسد که اینهمه مردم رو علاف نمیکند (در این حال به صف گاز اشاره کردم) از زمان شاه بقیه در صفحه ۱۴

مهاباد

۵۰/۵/۶۰ - با سدا را ن جنا پیکار رسا تبراندازی هایی که برای مرعوب کردن مردم انجام دادند بیک کودک را که در آغوش مادرش بود به شهادت رساندند. این جنایت در نزدیکی پمپ بنزین بوقوع پیوست. این هم نمونه ای دیگر از هزاران نمونه - جنایات مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که دامنه دفاع از مستضعفین می کند.

مردم ما با دبا روحیه ای با لایه - مقاومت خود ادامه میدهند. تمام تلاش رژیم برای درهم شکستن روحیه مردم ما با دبا شکست روبرو شده است.

دانش آموزان انقلابی اکنون بطور آنگار و علیه مسئولین و معلمین تمحیلی وکل سرکوبگران خلق گردا اعتراض میکنند در روز چندین مورد اعتراض سرود خوانی و شعار دادند و... در سطح شهر به چشم میخورند. دانش آموزان اغلب به خواندن سرود - شه یوقیب، انترنا سبوتال و... میپردازند در این رابطه عده ای از دانش آموزان را اخراج کرده اند. و همچنین شیها مردم شهر به راهپیمایی و پیش سرود ارتخت با مهای منازل میپردازند.

زادبودلشی با دروخی صدر صد میکتبی تعداد کشته زاندا انقلابیون!! را اعلام میدارد. در حالیکه تضیی یکی از پیشمرگان حزب دمکرات زخمی شده است. رژیم میخواهد با این دروغها خود را از نظر روحی تقویت کند.

سمنج (به نقل از خبرنامه جنوب)

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیت فدایی و ارتجاعی خود دشمنی آنگار با توده های زحمتکش دارند. در این رابطه جا شها و با سدا را ن برای خوش خدمتی به سرما به داران کردن کلفت با زار هر روز جنایتی می آفرینند تا بلکه از سقوط خود جلوگیری نماید. رژیم جمهوری اسلامی کوشش می کند تا با فشار بر روی زحمتکشان و خلق کرد آنها را مجبور به تسلیم نموده و از حاکمیت آنها از پیشمرگان خلق کسر جلوگیری نماید. در این رابطه اکنون فعل فروش میوه و محصولات گشازگی است جا شها و با سدا را ن جا دستند چه حسن آباد و چند روستای دیگری با بولد و زار خراب کرده

مریوان (به نقل از خبرنامه جنوب)

۶۰/۵/۲۶ - سروآباد - در این روز حدود ۱۰ نفر از جا شها و با سدا را ن به آبادی سروآباد حمله کردند. در این حمله نیرو - های سرکوبگر ۱۰۶ سکا لیبر ۵۰ و چهار تانک همرا هی میکرد. در ساعت ۸ پیشمرگان حزب دمکرات با آنها درگیری شدند و بعد از یک ساعت درگیری پیشمرگان فدایی به محل درگیری رسیدند. نیروهای رژیم بطور وحشیانه دهات اطراف را به توب و خمپاره و بمباران و آتش و شلیک کشته کردند. درگیری با شدت ادامه پیدا کرد و پیشمرگان ما منع حرکت آنها به آب انبهای اطراف شدند.

در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر پیشمرگان کومله نیز وارد درگیری شدند. در این درگیری شلیک ۱۲ ساعت بطول انجام میداد. تلفات سنگینی به دشمن سرکوبگر وارد آمد که از تعداد تلفات آنها غیر دقیقسی در دست نیست. در حالی که تلفات -

عملیات پیشمرگان فدائی مناسبت سالگرد شهادت رفیق فدائی کاک قاسم معروفی و همروزمانش

چهارشنبه ۶۰/۶/۱۲ - در این روز چند ده تن از پیشمرگان فدائی شفا قاسمی ما بین ایستگاههای ایران شاه و سنندج در جاده سفر - سنندج راه کنترل خود در آورده و سه کس مردوران رژیم جمهوری اسلامی می شناسد. در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر سروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به کسب افتاده و مورد حمله برق آسای - پیشمرگان قرار میگیرند. در ابتدا از مزبوران رژیم مقاومت مدیوحانه ای دست می رسد که آتش خود به پیشمرگان بحدت سنگ ساکت و اخطار از طریق بلندگو آنها را اودار بدست می نماید. پیشمرگان فدائی در حالیکه سه هلیکوپتر کمک سرکوبگران آمده بود و مشغول بیابان گردن سرو در سنگنه بودند آتش زدن یک رسوای رشتی و دست آوردن مفاد دیری اسلحه و مهمات

خبرنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - بیان

و تعدادی اسیر از منطقه عقب نشینی می کنند. در این عملیات ۷ نفر اسیر و ۵ نفر از مزدوران کشته شدند. همچنین یک قبضه تیرباران - ۴ قبضه نارنجک اندازه قبضه ۳ و یک دستگاه بیسیم گروهی بدست پیشمرگان افتاد. دو تن از اسیران که زخمی بودند شبانه به یوگان منتقل و مورد مداوا قرار گرفتند. پیشمرگان بدون هیچگونه آسیبی از منطقه عملیات خارج شده و در روستاهای مسرراه مورد استقبال گرم و پر شور مردم قرار گرفتند. این عملیات به مناسبت کمپین سال شهادت رفیق فدائی کاک قاسم معروفی و همروزمانش ابوبکر ارمان و مصطفی شمس الدین که سال گذشته در درگیری - دارما و (دارما و بین) شهادت رسیدند انجام گرفت.

دوستقزجه می گذرد؟

۶۰/۶/۱۵ - ساعت بعد از ظهر پیشمرگان کومله قسمتهاش را از شهر سفر را به کنترل خود درآوردند. با سداران و جانشینان آنها را به هرو سوشی که مدتی تیراندازی می آمد شلیک می کردند. در این مدت پیشمرگان با استقبال مردم روبرو شده و در کوجهای که پیشمرگان سنگر گرفته بودند مردم مبارز شهر سفر از فرزندان قهرمان خود پذیرا میگردند. در طول درگیری مردم شهر چهار چمی مواظب پیشمرگان بودند و هر خبری که به نظرشان مفید بود به پیشمرگان می رسانیدند و جوانان و کودکان شهر برای پیشمرگان کمک میدادند و در حال نماز و پخش خبرورسا نیدن خبر بودند. با اینکه پیشمرگان ساعت ۳/۵ شب از شهر خارج شده بودند منتظر اترش و با سداران و جانشینان تا ساعت ۶/۶/۶۰ شهر را مسلسل و خمپاره و توپ کوبیدند که بر اثر برتاب خمپاره به داخل چندین خانه نشسته مسکونی آسیب وارد شده که از تلفات جانی اطلاعی در دست نیست.

صبح جمعه موجود دستگیربها و خانه گردی توسط با سداران سرما به جانشینان مزدور شروع شد. حتی بر سر بچه های ۱۲ ساله در امان نبودند. با سداران به هر محلی که بخواهند میگذشتند و ورود خود محیط رعب و وحشت بوجود می آوردند. با قتل تفنگ به در منزل میکوبیدند و مرتب تیراندازی می کردند. خلاصه مزدوران رژیم قصد داشتند در شهر حکومت نظامی بوجود آورده تا بسا خیال راحت تمام جوانان و ساکنین مردم را به بهانه های واهی دستگیر کنند.

تا عصر جمعه حدود ۴۰ نفر از مردم - شهر را دستگیر کرده و با خود به زندان سپاه میبردند بطوریکه جانشینان برای زندان - تا زود وجود نداشت. کلیه تاقهای سپاه - حیاط و زندان با دگان مملو از جوانان، نوجوانان، مردان و... شده بود.

روز شنبه و یکشنبه هم وضع بر همین منوال بود. با زار شهر را تعطیل کرده و زنان و دخترانی که برای خرید ما محتاج خود به بازار میرفتند با سزا و فحشهای رکیک آنها را روانه خانه ها می کردند. حتی در موردی به سوی آنها تیراندازی نموده و چندین نفر را زخمی کردند. مفازه های ناخواهی که برای امتحان نان سپردند اقدام به پختن خمیر کرده - بودند با سداران به روز آنها را بسته و خمیر را دور ریخته بودند. به گفته یک شاهد عینی جوانی که جلودرب خانه خود نشسته بود با سداران و جانشینان او حمله کرده و او را با تمام قدرت کتک می زدند و یکی از جانشینان با چاقو شکم او را زخمی کرده و او را زود با شلیک کلان شلیک کجا بست و بعد از این که از کتک زدن خسته شده بودند او را سوار ماشین کرده و با خود به زندان بردند. خلاصه در این مدت مزدوران رژیم زبونانی و نا توانی خود را به نمایش گذاشته و مردم شهر را با تمام امکاناتی که در اختیار داشتند مورد فشار قرار میدادند و مردم مبارز سفر در جواب تمام قضاوت و بیرحمی های این مزدوران فقط به آنها مسی می کردند. مردم قهرمان سفر علی رغم همه این فشارها با پشتیبانی بی دریغ خود از پیشمرگان خلق کردتفراتر از چار - اودان را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی اعلام میدادند. در عملیات سزتمند درباری از مزدوران رژیم کشته و چنان از آنان بدست پیشمرگان اسیر شدند.

تیراندازی به سوی خانواده زندانیان سیاسی مهاباد

۶۰/۶/۷ - در این روز جوانی ساعت ۱۰ صبح خانواده های زندانیان سیاسی که سلاسه آنان خرد شده بودند که فرزندان - سان را به ارومیه میبردند. در جلوه رودی با سداران تجمع کرده و هوا ستار ملاقات تا مریدان خود و فرستادن آنان به ارومیه بودند.

تا کجا ن بطور وحشیانه ای از سنگرهای واقع در سنت ما میآید با سداران به سوی مردم سراندری میشود که موجب پراکنگی موقت جمعیت میشود. همینکه زندانیان برای سوار شدن سوی ما شینها میگردند و با وجودیکه شدت از آنها زیاد قیمت میشد ولی دوباره مردم (بخصوص خانواده زندانیان سیاسی) دور ما شینها را گرفته و ما نبردن فرزندان خود میخواستند و این ترتیب محالفت خود را با این شیوه جفا بینگاران به کهدنی جزئی که زندانیان و اعدا آنها ندادنی نمودند. اما به علاوه طر جمعیت پیش

از حد با سداران و جانشینان در محل مردم از نشان دادن هر عکس العمل خفیهی نسبت به آنان خودداری کردند. بطور کلی امروز عده ای در حدوده ۱۲ نفر از آزاد کرده که بیشتر مسلمانی مفازه را بودند که چند روز پیش در خانه گردی حوالی تپه قاسمی دستگیر شده بودند عده ای در حدود ۱۲ نفر ه نیز با مطلق جنیروهای سرکوبگر جرمان را زودتر به ارومیه فرستادند. این مقاومت و سکپا رچی مردم با ردیگر نشان داد که نیروهای سرکوبگر در برابر موج انقلابی عروشان توده ها تا جای رسیده محالفت از منافع تجار روسرما به داران و ناگزیرا تیراندازی بسوی توده های انقلابی است. این عمل نشان میدهد که براساس سرکوبگران خلق کرده شدن همه خلفهای ایران هستند. چنانکه در جلوه رودی زندان اوین نیز با سداران سرما به در مقابل موج عروشان مردمنا چار به داخلت و تیراندازی بسوی جمعیت شدند اما مزدوران با دیدن دستگیران عدا میا میی در پیستی و دستگیری و شکنجه انقلابیون در تهران و شهرهای دیگر جفدرتوا نسبت مدی در برابر خواستهای رحمتکشان با شد در مها با دن نیز بهمان اندازه میبازند. البته لازم به یادآوری است که در تیرانداز - سپاه به کسی آسیبی نرسیده است.

نیروهای سرکوبگر شهر را خمپاره باران کردند که ۴ نفر شهید و عده ای نیز زخمی شدند. ۶۰/۶/۴ - در این روز جوانی ساعت ۱۰ صبح منطقه تپه قاسمی به ما سره با سداران و جانشینان اقدام آنها تمام میخانه های این منطقه را به بهانه دستگیر پیشمرگان زاپشیا کرده اند مورد تفتیش قرار دادند که در یکی از خانه ها مقداری کتاب مربوط به حزب را پیدا و آتش میزدند لازم به یادآوری است که اکثر جوانان نسبی که در منزل بوده و اغلب در خواب بوده اند دستگیر و به سپاه برده میشوند. این عمل آنان مورد اعتراض شدید مردم واقع شده و مردم بخصوص زن و بچه ها با عدا می کنند فریاد می کشند و وقتی که پیشمرگان در شهر هستند خود را آفتاب می کشند و یک نفر از آنان از مقرها نشان جرات بیرون آمدن را ندارند. جانشینان ما را گرفتند و احساس قهرمانی میکنند.

سنندج

۶۰/۵/۲۶ - یکی از پیشمرگان فدائی که در یکی از روستاهای اطراف سنندج در حین انجام مأموریت بود یک ماشین لنده و روجها دیا مطلقا زندگی برخوردار می کند که ما شن مذکور را معادله انقلابی میماند و سر نشیمان آنرا که از کارگران روسایی بودند بعد از تفتیش در محل آزاد می شوند.

مهاباد

۶۰/۶/۳ - دو تن از پیشمرگان فدائی در یکی از روستاهای اطراف سنندج در حین انجام مأموریت بود یک ماشین لنده و روجها دیا مطلقا زندگی برخوردار می کند که ما شن مذکور را معادله انقلابی میماند و سر نشیمان آنرا که از کارگران روسایی بودند بعد از تفتیش در محل آزاد می شوند.

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد روزمت